

تصویب مشروط
الحاق ایران به CFTچراغ سبز ترامپ به اوان
گفت‌وگو بدون پیش شرطاکتبر طلایی
بیت‌کوبین به چه مسیری می‌رود؟کوچ ناگزیر
مهاجرت ساکنان اطراف دریاچه ارومیه

تداوم حذف میانه‌روها

چرا تندروها این بار محمدرضا عارف را
نشانه گرفته‌اند؟

یادداشت روز

بازدارندگی

از «شعار» تا «شاخص»

پژوهشی در مفهوم بازدارندگی

یاسر هاشمی

فعال سیاسی



این مقاله چکیده‌ای از یک پژوهش و تحقیق علمی است که با نظارت و راهنمایی جمعی از اساتید محترم دانشگاه، طراحی و اجرا شده است.

بازدارندگی این روزها در ایران تنها یک کلمه در کتاب‌های لغت نیست بلکه به اصطلاحی همه کاره تبدیل شده که در مناظرهای سیاسی، در تیترو روزنامه‌ها، در کلاب‌هاوس و شبکه‌های اجتماعی، سخنرانی‌های رسمی مسئولین و حتی در مکالمه روزمره مردم همه جا شنیده می‌شود: «بازدارندگی داریم یا نداریم؟»

در ادبیات روابط بین‌الملل، «بازدارندگی» (Deterrence) یکی از مفاهیمی است که هم مثل یک اصطلاح فنی نظامی، وزن دارد و هم مثل یک کلمه روزمره وارد زبان سیاست، رسانه و حتی فرهنگ عامه شده است. امروز در ایران، از مذاکرات هسته‌ای و تنش‌های منطقه‌ای گرفته تا خاموشی‌های برق و صف‌های طولانی بنزین، همه جا واژه بازدارندگی شنیده می‌شود. گویی این واژه، متر و معیار سنجش قدرت و اعتبار ملی شده است.

اما پرسش کلیدی اینجاست که بازدارندگی چیست؟ در قدرت است یا اقتدار؟ به زبان ساده‌تر بازدارندگی صرفاً همان موشک‌های قاره‌پیما و بمب‌های سنگین است یا چیزی فراتر؟ اگر بازدارندگی را فقط با شمار لانچرها یا شدت صدا در رژه‌های نظامی تعریف کنیم، دچار «تک‌بعدی‌نگری» شده‌ایم. تجربه تاریخی جنگ‌ها، بحران‌های انرژی، تهدیدهای سایبری و حتی رفتار مردم در روزهای سخت، نشان داده است که بازدارندگی یک «اکوسیستم» است.

بازدارندگی در آغاز با بمب هسته‌ای معنا شد. جنگ سرد به دنیا یاد داد که قدرت تخریب می‌تواند، جلوی تخریب را بگیرد. فرمول ساده بود، تهدید به مجازات آن قدر بزرگ است که طرف مقابل جرات نکند. اما همین جا اولین ایراد پیدا شد. بازدارندگی اگر فقط بر «مجازات» سوار باشد، همیشه در آستانه فاجعه ایستاده است. کافی است، طرف مقابل باور کند که تو بلوف می‌زنی، آن وقت تهدید فرو می‌ریزد. این جمله مشهور توماس شلینگ، پدرخوانده نظریه بازدارندگی، توضیح می‌دهد که موضوع قبل از جنگ شروع می‌شود، چطوروری علامت بدهی که طرف مقابل بفهمد، هزینه حمله از فایده‌اش بیشتر است و مهم‌تر، بفهمد تو در اجرای تهدید، جدی و توانمند هستی و اگر مجبور شدی بجنگی، بازدارندگی شکست خورده است.

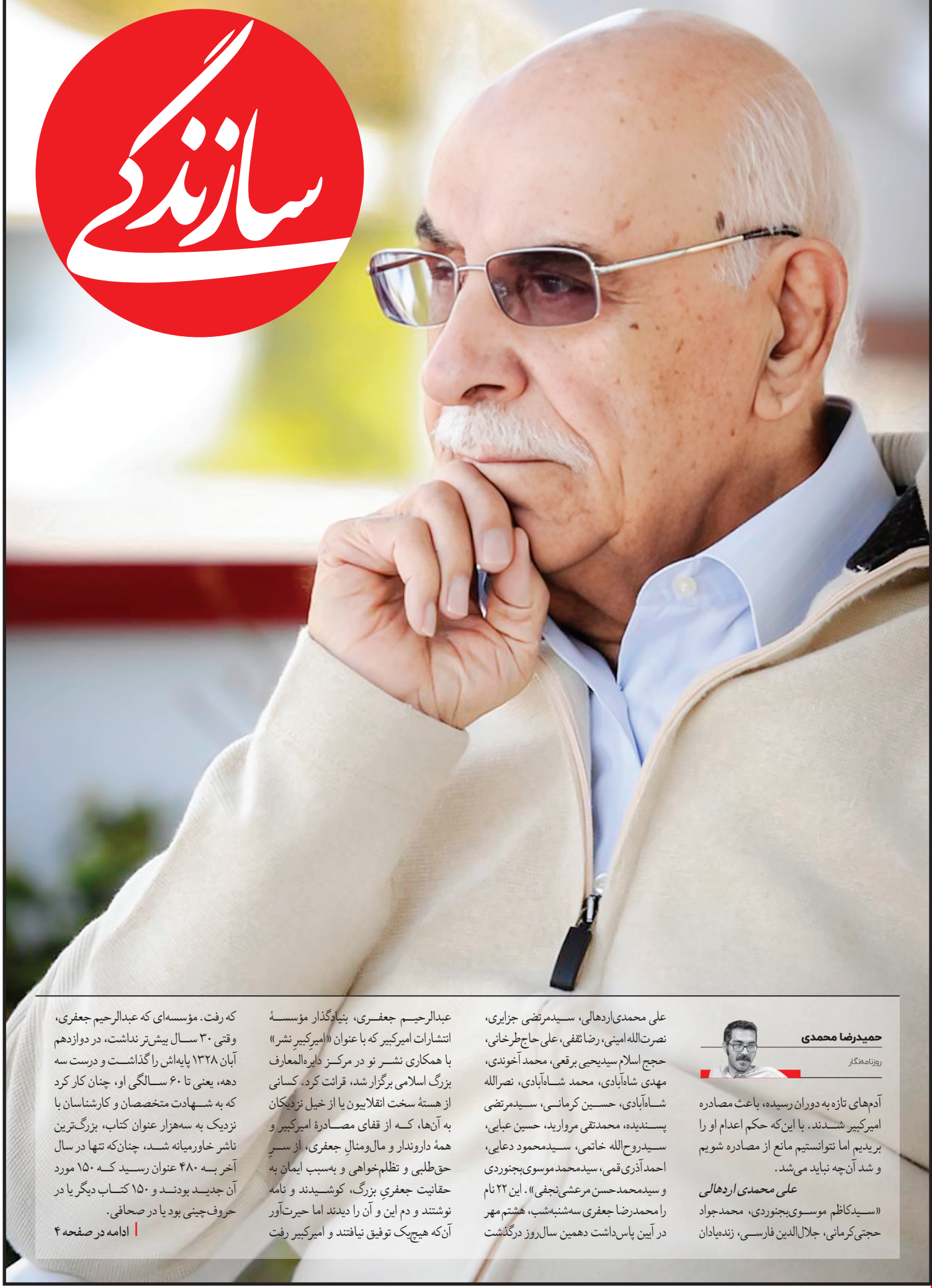
به همین دلیل، نسل دوم نظریه‌پردازان بازدارندگی روی «انکار» تأکید کردند یعنی ناممکن کردن موفقیت مهاجم. اگر کسی مطمئن باشد که حتی بعد از حمله به نتیجه نمی‌رسد اصلاً وسوسه حمله نمی‌شود. لذا بازدارندگی امروز فراتر رفته و معنای چندلایه‌ای پیدا کرده است. بازدارندگی نه‌تنها توان شلیک بلکه توان ادامه زندگی پس از شلیک است. نه‌تنها قدرت سخت بلکه تاب‌آوری اجتماعی، انسجام سیاسی، مشروعیت حقوقی و حتی طنز مردم در روزهای سخت.

حالا اگر بخواهیم بازدارندگی را از «شعار» به «شاخص» تبدیل کنیم باید آن را قابل اندازه‌گیری کنیم. به زبان ساده، بازدارندگی از شعار شروع می‌شود اما فقط با شاخص می‌ماند.

ادامه در صفحه ۸

محبوبِ مظلوم

آئین گرامیداشت **عبدالرحیم جعفری**، بنیانگذار انتشارات امیرکبیر در دهمین سالروز درگذشت او در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد. جعفری ناشری کارآفرین و خلاق بود که از بد روزگار، گرفتار محبس شد و امیرکبیرش را به مسلخ بردند به همین بهانه سازندگی به زندگی و زمانه او پرداخته است



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار



علی محمدی‌اردهالی، سیدمرتضی جزایری، نصرت‌الله امینی، رضا تقفی، علی حاج‌طرخانی، حجج اسلام سیدیحیی برقی، محمد آخوندی، مهدی شاه‌آبادی، محمد شاه‌آبادی، نصرالله شاه‌آبادی، حسین کرمانی، سیدمرتضی پسندیده، محمدتقی مروارید، حسین عبایی، سیدروح‌الله خاتمی، سیدمحمود دعایی، احمد‌آذری‌قمی، سیدمحمد موسوی‌یچنوردی و سیدمحمدحسن مرعشی‌نجفی). این ۲۲ نام را محمدرضا جعفری سه‌شنبه‌شب، هشتم مهر در آئین پاس‌داشت دهمین سالروز درگذشت

عبدالرحیم جعفری، بنیادگذار مؤسسه انتشارات امیرکبیر که با عنوان «امیرکبیر‌نشر» با همکاری نشر نو در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد، قرائت کرد. کسانی از هسته سخت انقلابیون یا از خیل نزدیکان به آن‌ها، که از قفای مصادرة امیرکبیر و همه داروندار و مال‌ومنال جعفری، از سرِ حق‌طلبی و تظلم‌خواهی و به‌سبب ایمان به حقانیت جعفری بزرگ، کوشیدند و نامه نوشتند و دم این و آن را دیدند اما حیرت‌آور آن‌که هیچ‌یک توفیق نیافتند و امیرکبیر رفت

که رفت. مؤسسه‌ای که عبدالرحیم جعفری، وقتی ۳۰ سال بیشتر نداشت، در دوازدهم آبان ۱۳۲۸ پایه‌اش را گذاشت و درست سه دهه، یعنی تا ۶۰ سالگی او، چنان کار کرد که به شهادت متخصصان و کارشناسان با نزدیک به سه‌هزار عنوان کتاب، بزرگ‌ترین ناشر خاورمیانه شد، چنان‌که تنها در سال آخر به ۴۸۰ عنوان رسید که ۱۵۰ مورد آن جدید بودند و ۱۵۰ کتاب دیگر یا در حروف‌چینی بود یا در صحافی.

ادامه در صفحه ۴

دیدگاه: یادداشت سیاسی

۱۰ سال فرصت، ۱۰ سال حسرت

دو راهی ایران پس از بازگشت تحریم‌ها



مهدی علی‌آبادی

فعال سیاسی

با فعال شدن مکانیسم اسنپ‌ک و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، ایران بار دیگر به نقطه‌ای رسیده است که ۱۰ سال پیش از آن گریزان بود: انزوای ژئوپلیتیکی و فشار اقتصادی.

پیش از برجام، اجماع جهانی علیه تهران به اوج رسیده بود. در سال ۲۰۱۲ صادرات نفت ایران از ۲/۵ میلیون بشکه به کمتر از یک میلیون بشکه سقوط کرد، دسترسی به نظام بانکی جهانی تقریباً قطع شد و اقتصاد کشور با رشد منفی بیش از ۶ درصد و تورم بالای ۳۰ درصد، در وضعیت بی‌سابقه‌ای فرو رفت. آن زمان ایران در بن‌بست کامل بود و همین بن‌بست، راه را برای توافقی گشود که بعدها «برجام» نام گرفت. برجام در اصل یک توافق امنیتی بود که منافع اقتصادی به دنبال داشت. این توافق به ایران فرصت داد تا ۱۰ سال در فضای نسبتاً آرام‌تری تنفس کند و از مسیر دیپلماسی به تدریج خاطرات امنیتی و بدبینی‌های بین‌المللی را ترمیم کند اما این فرصت هرگز به‌طور کامل محقق نشد.

سه جریان اصلی، هرچند با انگیزه‌های متفاوت، برای فروپاشی برجام تلاش کردند: تدروهای داخلی در ایران که هیچ‌گاه از عادی‌سازی روابط اقتصادی استقبال نکردند، بنیامین نتانیاهو و جریان راست افراطی اسرائیل که توافق را تهدیدی برای امنیت خود می‌دانستند، و دولت ترامپ همراه با لابی آبیک در آمریکا که خروج از برجام را نقطه آغاز سیاست «افشار حداکثری» قرار دادند. در عمل، این سه ضلع با توافقی نانوشته در یک مسیر واحد حرکت کردند. بازنده نهایی اما چیزی فراتر از یک دولت یا یک جناح بود: عقلانیت و اعتدال.

از همان ابتدا، اقتصاد ایران هیچ‌گاه توانست از برجام پلی به سوی عادی‌سازی روابط با غرب بزند. حتی تلاش‌های دیپلماتیکی چون سفر شینزو آبه، نخست‌وزیر وقت ژاپن، به تهران برای میانجی‌گری میان دو کشور بزرگ بی‌نتیجه ماند. در این میان فرصت‌های متعددی برای گفت‌وگو و همکاری نیز از دست رفت. ایران و آمریکا در مقاطعی مانند کنفرانس بن در افغانستان یا در مبارزه با داعش نشان دادند که توان همکاری عملی دارند اما هیچ‌کدام از این تجربه‌ها به چارچوبی پایدار و ساختاریافته برای صلح منجر نشد.

اکنون با بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، ایران و آمریکا در نقطه‌ای قرار دارند که تنها دو راه پیش رو مانده است: جنگ یا صلح. انتخاب اول به معنای ورود به چرخه‌ای تازه از درگیری و فرسایش است؛ انتخاب دوم اما می‌تواند، دروازه‌ای به سوی بازتعریف روابط و بازسازی اقتصاد ایران باشد. پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر، بیش از هر زمان نیاز به صلح و توسعه اقتصادی در جامعه ایران احساس می‌شود. این خواست نه تنها در میان مردم بلکه در میان بخش بزرگی از نخبگان و حتی لایه‌هایی از حاکمیت نیز وجود دارد.

برای رسیدن به این مسیر، ایران نیازمند بازتعریف سیاست خارجی خود است؛ نه به معنای عقب‌نشینی بلکه در قالب ابتکار عمل. تجربه‌های جهانی نشان داده که توسعه پایدار بدون گشودن گره‌های ژئوپلیتیکی امکان‌پذیر نیست. چین و ویتنام زمانی توانستند مسیر رشد اقتصادی را طی کنند که دروازه‌های روابط خود با غرب را گشودند و از تهدید به فرصت رسیدند. ایران می‌تواند با طرح یک چارچوب امنیتی – توسعه منطقه‌ای، ابتکار عمل را در دست بگیرد و نشان دهد که امنیت و رفاه را به‌طور هم‌زمان پیگیری می‌کند. در سطحی محدودتر، همکاری‌های عملی در حوزه‌هایی مانند امنیت خلیج فارس، آینده افغانستان و انرژی می‌تواند. نقطه آغاز گفت‌وگوهای اعتمادساز با آمریکا باشد.

ایران توسعه‌یافته‌ن‌ت‌ها برای مردم خود بلکه برای کل غرب آسیا و حتی جامعه جهانی به یک بازیگر قابل اتکا تبدیل خواهد شد. اما این تصویر تنها زمانی دست‌یافتنی است که تصمیمی تاریخی گرفته شود: ماندن در مسیر بن‌بست یا گشودن راهی تازه به سوی صلح.

تداوم حذف میانه‌روها

چرا تندروها این بار محمدرضا عارف را نشانه گرفته‌اند؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

پس از فشارها بر ظریف اکنون نوبت به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور و چهره شاخص جریان اصلاح‌طلب رسیده است؛ اتهام‌هایی که رنگ‌وبوی حقوقی دارند اما در واقع تلاشی برای محدودسازی چهره‌های معتدل و کارآمد در ساختار سیاسی ایران هستند.

این بار حمید رسایی، نماینده تهران در مجلس، در تذکری شفاهی او را به قانون‌شکنی متهم کرد و مدعی شد «تمام امضاها‌ی عارف غیرقانونی است». رسایی با استناد به موضوع تابعیت فرزند عارف و نامه‌ای از دیوان محاسبات، کوشید چهره‌ای مخدوش از او ترسیم کند اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود.

نگاهی به پیشینه حملات مشابه علیه دیگر چهره‌های میانه‌رو – از ظریف تا دیگر اصلاح‌طلبان – نشان می‌دهد که این انتقادات بیش از آنکه ریشه در دغدغه قانون داشته باشند، بخشی از پروژه‌ای سیاسی برای تضعیف و حذف نیروهای میانه و کارآمد در ساختار قدرت است.

ادعاهای رسایی؛ حقوقی یا سیاسی؟

در سخنان اخیر حمید رسایی علیه محمدرضا عارف، سه محور اصلی بیش از بقیه برجسته شد. نخست آنکه او مدعی شد، دیوان محاسبات اعلام کرده تمام امضاها‌ی عارف فاقد وجاهت قانونی است. این ادعا در حالی مطرح شد که هیچ سند علنی و رسمی در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته تا چنین حکمی را تأیید کند.

محور دوم به مساله تابعیت فرزند عارف بازمی‌گشت. رسایی تلاش کرد میان تابعیت مضاعف پسر عارف و صلاحیت حقوقی او پیوند برقرار کند. در حالی که این مساله به خودی خود به معنای سلب صلاحیت قانونی از یک شخصیت سیاسی نیست. گرچه به نظر می‌رسد، طرح چنین مساله‌ای لااقل از سوی رسایی پیشتر ابزاری برای تخریب سیاسی و فشار جناحی است تا دغدغه شفافیت و اجرای قانون. اما سومین بخش سخنان رسایی به تعلل در رسیدگی به درخواست‌های نظارتی مجلس به‌ویژه ماده ۲۲۴ مربوط می‌شد. او این تأخیر را نشانه‌ای از تبعیض دانست. در حالی که حتی اگر اصل تأخیر درست باشد چنین موضوعی نمی‌تواند مبنای کافی برای زیر سؤال بردن صلاحیت حقوقی یک شخصیت سیاسی باشد مگر آنکه روندی شفاف، مستند و مطابق قانون به افکار عمومی ارائه شود.

بنابراین طرح چنین ادعایی در صحن علنی بیش از آنکه دغدغه‌ای اجرای قانون باشد، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرد. چنانکه خود رسایی هم تأکید کرده «قانون فقط نباید برای بدبخت و بیچاره‌ها باشد» اما تناقض در گفتار او آنجاست که اجرای قانون را همواره ابزاری برای تسویه‌حساب جناحی می‌بیند.

خبر

تصویب مشروط

الحاق ایران به CFT با نظر مجمع تشخیص مصلحت صورت پذیرفت

گروه سیاسی: پس از چندین سال بحث و رفت و برگشت میان مجلس، شورای نگهبان و نهادهای ذی‌ربط، سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام با پیوستن ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) به صورت مشروط موافقت کرد. این تصمیم در جلسه‌ای به ریاست آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی و با حضور سران قوا، برخی اعضای شورای نگهبان و وزرای اقتصاد و امور خارجه اتخاذ شد. محسن دهنوی، سخنگوی مجمع، روز گذشته در شبکه اجتماعی ایکس خبر این تصمیم را اعلام کرد و نوشت که موضوع CFT پس از برگزاری چهار نشست عمومی و جلسات متعدد کمیسیون مشترک، سرانجام به رأی گذاشته شد و اکثریت اعضا به نسخه اصلاحی و مشروط الحاق ایران رأی مثبت دادند. CFT یکی از لوایح چهارگانه موسوم به لوایح FATF است که از سال‌ها پیش محل مناقشه جدی در ساختار تصمیم‌گیری کشور بوده است. مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف با این

سابقه حملات به عارف

این اولین بار نیست که به بهانه تابعیت مضاعف فرزندان مسئولان، چهره‌ای اصلاح‌طلب زیر فشار قرار می‌گیرد. پیش از این محمدرضا ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی هم بارها هدف اتهاماتی مشابه قرار گرفت. جریان‌های تندرو در آن مقطع تلاش کردند با دامن زدن به موضوع «دوتابعیتی‌ها» او را از عرصه سیاست و تصمیم‌گیری کنار بزنند. تلاش‌هایی که به گفته برخی تحلیلگران، بخشی از پروژه خالی کردن دولت از افراد کارآمد است. به بیان دیگر حذف گام‌به‌گام تکنوکرات‌ها و میانه‌روها تا میدان سیاست در انحصار صداهای بلندتر و رادیکال‌تر باقی بماند. حمله به عارف نیز پدیده تازه‌ای نیست. در سال‌های گذشته، رسانه‌های نزدیک به جریان تندرو، بارها او را به «نرم بودن»، «بی‌تفاوتی» یا «فقدان شفافیت» متهم کرده‌اند. در انتخابات ۱۳۹۲ زمانی که به نفع روحانی کنار کشید رسانه‌های اصولگرا، او را به «بی‌عملی» و «ساده‌لوحی سیاسی» متهم کردند. در انتخابات مجلس یازدهم برخی رسانه‌های تندرو شکست اصلاح‌طلبان در آن انتخابات را ناشی از «ضعف رهبری عارف» دانستند. همچنین هر بار که عارف از ادبیات آرام و تحلیلی استفاده کرده، مخالفان او را «نازک‌نارنجی» خواندند. این در حالی است که چنین رویکردی می‌تواند، نقطه قوت او در سیاست‌ورزی باشد. این سابقه نشان می‌دهد که آنچه امروز رخ می‌دهد نیز تداوم همان الگوست؛ تخریب چهره‌ای میانه‌رو که می‌تواند در فضای پرتش سیاست ایران، نقشی متوازن ایفا کند. اما دلیل اینکه عارف امروز دوباره در تیررس قرار گرفته به چند عامل برمی‌گردد. نخستین عامل، جایگاه نامدین اوست؛ عارف نماد اصلاح‌طلبی آرام، گفت‌وگومحور و قانون‌گراست. این نماد برای تندروها تهدیدی جدی است چون مشروعیت سیاسی او می‌تواند، وزنه‌ای تعادلی در برابر افراط‌گرایی باشد. عامل دیگر به انتخاب ۱۳۹۲ برمی‌گردد، زمانی که عارف در انتخابات ریاست‌جمهوری به نفع حسن روحانی کنار رفت و نقشی کلیدی در پیروزی جریان اعتدال ایفا کرد. این کناره‌گیری نه تنها جایگاه اخلاقی او را تقویت کرد بلکه کینه برخی جناح‌ها را نیز برانگیخت که موفقیت روحانی را نتیجه چنین تصمیمی می‌دانستند. دیگر اینکه او پلی میان جناح‌هاست؛

عارف جزو معدود چهره‌هایی است که امکان ارتباط با بخش‌هایی از جریان اصولگرا را نیز دارد. تندروها همواره از حضور چهره‌هایی که امکان ایجاد پل میان جناح‌ها دارند، هراس داشته‌اند. این توانایی برای کسانی که از قطبی‌سازی سیاست سود می‌برند، خوشایند نیست و فشار بر او می‌تواند بخشی از تلاش برای حذف صداهای میانه باشد. عامل دیگر، تلاش تندروها برای خالی کردن دولت از نیروهای معتدل است. این پروژه تلاش دارد، چهره‌هایی که به شفافیت، تخصص و اعتدال شناخته می‌شوند را با اتهامات حاشیه‌ای کنار بزند تا میدان برای نیروهای همسو با تندروها باز شود. درنهایت نیز سرمایه اجتماعی عارف است. برخلاف ادعاهای منتقدان، عارف در جامعه، چهره‌ای شناخته شده و دارای اعتبار اخلاقی است. تضعیف چنین سرمایه‌ای، راهی برای کاهش امید عمومی به جریان اعتدالی تلقی می‌شود. این در حالی است که عارف در واکنش به چنین حملاتی همواره تلاش کرده به جای ورود به جدال لفظی و افتادن در دام جنجال‌های سیاسی بر اصولی چون منافع ملی، اولویت‌های کلان کشور و شفافیت تأکید کند. مناقشه امروز بر سر عارف، بازتاب جدال بزرگ‌تر در صحنه سیاسی ایران است. نبرد میان صداهای میانه و عقلانی با جریان‌هایی که بقای خود را در افراط و هیجان می‌بینند. تندروها می‌دانند که اگر حتی چهره‌هایی معتدل مجال نقش‌آفرینی بیابند، فضای سیاست به سمت گفت‌وگو و تعادل می‌رود و این دقیقاً همان چیزی است که مخالف منافع آن‌هاست. در واقع حملات به عارف بیشتر تلاشی برای ضربه زدن به اعتبار یک سیاستمدار معتدل و تضعیف جریان اصلاح‌طلبی در بزنگاه‌های حساس سیاسی است. برای مقابله با این پروژه نیز راهبردی روشن لازم است و آن شفافیت، دعوت به بررسی حقوقی مستقل و برجسته کردن ارزش‌هایی چون عدالت و قانون‌گرایی است. این مسیر نه تنها به دفاع از یک فرد بلکه به دفاع از عقلانیت سیاسی در کشور کمک خواهد کرد. حمایت از عارف در این شرایط، حمایت از رویکردی است که بر گفت‌وگو، عقلانیت و پرهیز از هیاهوی سیاسی تأکید دارد. اگر قرار باشد قانون به ابزاری برای تسویه‌حساب جناحی بدل شود نه تنها اصلاح‌طلبان که کل ساختار سیاسی کشور متضرر خواهد شد.

گرچه جزئیات شروط و اصلاحات هنوز به‌طور رسمی منتشر نشده است اما تصمیم اخیر مجمع تشخیص را می‌توان نقطه عطفی در پرونده لوایح مرتبط با FATF دانست. ایران در سال‌های گذشته به دلیل عدم پیوستن به این نهادها در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی قرار داشت؛ موضوعی که محدودیت‌های گسترده‌ای برای مبادلات بانکی و مالی کشور ایجاد کرده است. کارشناسان معتقدند، تصویب CFT می‌تواند بخشی از موانع موجود در همکاری‌های بانکی بین‌المللی را کاهش دهد، هرچند همچنان تحریم‌های آمریکا به عنوان مانع اصلی باقی خواهد ماند. این اقدام می‌تواند، پیامی مثبت به جامعه جهانی ارسال کند و نشان دهد که ایران آماده همکاری در چارچوب‌های بین‌المللی برای مقابله با جرایم مالی و تروریسم است. با این حال برخی جریان‌های منتقد همچنان نگران هستند که الحاق به این کنوانسیون، بهانه‌ای برای فشارهای سیاسی جدید علیه ایران باشد یا محدودیت‌هایی بر سیاست منطقه‌ای کشور تحمیل کند. با تصمیم اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از مهم‌ترین گره‌های حقوقی و سیاسی سال‌های اخیر گشوده شد. هرچند الحاق ایران به CFT همچنان مشروط و با قید و بندهایی است اما همین چراغ سبز می‌تواند، مسیر تازه‌ای در تعاملات مالی و سیاسی کشور باز کند.

رمزگشایی از تحرکات جدید

ناوگان سوخت‌رسان آمریکا به العدید قطر رسید

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



در روزهای اخیر، خلیج فارس شاهد تحرکات قابل توجهی از سوی ارتش آمریکا بوده که معادلات امنیتی منطقه را وارد مرحله‌ای پرابهام کرده است. دست‌کم ۱۲ فروند هواپیمای سوخت‌رسان استراتژیک کی‌سی-۱۳۵ در پایگاه العدید قطر مستقر شدند، پایگاهی که به‌عنوان مهم‌ترین مرکز نظامی واشنگتن در منطقه شناخته می‌شود. این ناوگان ابتدا به سمت پایگاه میلدنهال بریتانیا حرکت کرده بود اما به دلیل شرایط جوی، مسیر خود را تغییر داد و سرانجام در خلیج فارس فرود آمد. تحلیلگران این اقدام را حرکتی حساب شده و هدفمند می‌دانند که علاوه بر پیام‌های سیاسی، دو پیام روشن دارد: نخست، اطمینان به متحدان منطقه‌ای درباره ادامه حضور واشنگتن و تضمین امنیت آنها و دوم، هشدار به تهران مبنی بر اینکه گزینه نظامی همچنان روی میز است. انتخاب پایگاه العدید، توان عملیاتی و برد جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها را به شدت افزایش می‌دهد و قدرت مانور آمریکا را ارتقا می‌بخشد؛ موضوعی که علاوه بر بازدارندگی، نشان‌دهنده

آسیا

چراغ سبز ترامپ به اون

کاخ سفید: پیش شرطی برای گفت‌وگو در کار نیست

گروه بین‌الملل: در حالی که گمانه‌زنی‌ها درباره دیدار احتمالی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی در حاشیه نشست آتی همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (APEC) شدت گرفته است، یک مقام کاخ سفید تأکید کرد که واشنگتن همچنان آماده مذاکره «بدون هیچ پیش‌شرطی» با پیونگ‌یانگ است.

این موضع‌گیری، نخستین اعلام رسمی دولت ترامپ در دوره جدید فعالیت‌های دیپلماتیک اوست که بار دیگر خاطره سه دیدار تاریخی سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میان دو رهبر را زنده کرده است.

نشست آپک قرار است، روزهای ۹ و ۱۰ آبان در شهر گیونگجو، واقع در جنوب شرقی کره جنوبی برگزار شود و سفر ترامپ به این کشور، زمینه‌ساز پرسش‌های تازه درباره امکان تجدید گفت‌وگوها با کره شمالی شده است. به‌ویژه آنکه کیم جونگ‌اون اوایل ماه جاری در سخنانی اعلام کرده بود اگر آمریکا از اصرار بر خلع سلاح هسته‌ای کامل دست بردارد، آماده از سرگیری مذاکرات است.

پیام کاخ سفید: بدون پیش‌شرط

مقام آمریکایی که با خبرگزاری یونهایپ گفت‌وگو کرده، یادآور شده است: «رئیس‌جمهور ترامپ در دوره نخست

ریاست‌جمهوری خود سه نشست تاریخی با رهبر کره شمالی برگزار کرد که توانست، فضای شبه‌جزیره را تا حد زیادی تثبیت کند. امروز نیز او آماده گفت‌وگو بدون هیچ پیش‌شرطی است». این سخنان نشان می‌دهد، واشنگتن می‌کوشد، بار دیگر فضای دیپلماسی مستقیم با پیونگ‌یانگ را فعال کند هرچند همچنان بر سیاست سنتی خود یعنی ضرورت خلع سلاح هسته‌ای تأکید دارد.

این موضع‌گیری در شرایطی بیان می‌شود که کیم جونگ‌اون در سخنرانی خود در مجمع عالی خلق ضمن یادآوری خاطرات مثبتش از ترامپ صریحاً اعلام کرده است که حاضر نیست، زرادخانه هسته‌ای کشورش را کنار بگذارد. به باور رهبر کره شمالی، سلاح هسته‌ای ضامن بقا در برابر تهدیدات دائمی آمریکا و کره جنوبی است و مانورهای مشترک نظامی واشنگتن و ستول چیزی جز تمرین جنگ هسته‌ای تلقی نمی‌شود.

آمادگی برای مواجهه با سناریوهای احتمالی آینده نیز است. ابعاد لجستیکی این تحرکات نیز قابل توجه است. هواپیماهای کی‌سی-۱۳۵ قادرند هم‌زمان به چندین جنگنده سوخت‌رسانی کنند و همین موضوع، آنها را به ستون فقرات عملیات‌های هوایی آمریکا تبدیل کرده است. حضور این ناوگان می‌تواند، موازنه قوای هوایی منطقه را تغییر دهد و شرایط جدیدی در معادلات نظامی ایجاد کند. تنش‌ها میان ایران و آمریکا پس از فعال شدن مکانیسم ماشه و مواضع تهاجمی دونالد ترامپ در بالاترین سطح قرار دارد و بسیاری از تحلیلگران این اقدام را بیش از آنکه صرفاً نظامی بدانند، اقدامی سیاسی با هدف ایجاد بازدارندگی و فشار روانی بر تهران می‌دانند.

در چنین فضایی، ایران ناگزیر به افزایش هوشیاری دفاعی خواهد بود. انتظار می‌رود، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با تقویت سامانه‌های پدافندی، برگزاری رزمایش‌های هوایی و زمینی و رصد مداوم تحرکات آمریکا، سطح آماده‌باش خود را بالا ببرند. این روند می‌تواند، رقابت‌های امنیتی در منطقه را تشدید کرده و معادلات استراتژیک بازیگران اصلی را دستخوش تغییر کند. تداوم این شرایط احتمالاً حضور نظامی واشنگتن در خلیج فارس را افزایش داده و خطر رویارویی ناخواسته را تقویت

می‌کند. پرسش اساسی این است که آیا آمریکا با این نمایش قدرت صرفاً به دنبال بازدارندگی و مذاکره از موضع بالاست یا در حال زمینه‌سازی برای سناریویی پرخطر و پرهزینه در منطقه؟ این تحرکات هم‌زمان با رونمایی ترامپ از طرح ۲۰ ماده‌ای صلح در غزه و تعیین ضرب‌الاجل چهار روزه برای پذیرش آن توسط گروه حماس رخ داده است. پیش‌تر نیز انتقاداتی نسبت به جو بایدن به دلیل واگذاری پایگاه بگرام به افغانستان مطرح شده بود.

پیش‌تر اندیشکده امنیت ملی آمریکا (JINSA) هشدار داده که پایگاه العدید بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید موشکی ایران است و نبود عمق استراتژیک، نیروها و تجهیزات حیاتی را در معرض خطر مستقیم قرار داده است. حتی جنگنده‌های پیشرفته‌ای مانند اف-۳۵ هنگام استقرار بر باند پرواز از حملات مصون نیستند.

پیشنهاد عجیب ترامپ!

افشاگری تازه «متیو پاتینگر» معاون پیشین مشاور امنیت ملی آمریکا نیز بُعد دیگری از این رابطه عجیب را روشن می‌کند. او می‌گوید، ترامپ پس از پایان نشست هانوی به کیم جونگ اون پیشنهاد داده بود با هواپیمای اختصاصی رئیس‌جمهور آمریکا به کشورش بازگردد؛ پیشنهادی که البته رهبر کره شمالی رد کرد و ترجیح داد با قطاری که از چین عبور می‌کرد به پیونگ‌یانگ برگردد. این ماجرا بار دیگر نشان می‌دهد، روابط دو رهبر تلفیقی از ژست‌های نمایشی، اعتمادسازی شخصی و در عین حال بی‌اعتمادی عمیق بوده است.

دیپلماسی شخصی یا نمایش رسانه‌ای؟

تحلیلگران معتقدند اگرچه دیدارهای ترامپ و کیم توانست سطح تنش‌ها را کاهش دهد و کانالی مستقیم میان دو دشمن دیرینه ایجاد کند اما به دلیل تمرکز بیش از حد بر تصاویر و صحنه‌آرایی رسانه‌ای، هیچ‌گاه به توافق جامع و قابل راستی‌آزمایی منجر نشدند. از همین روست که بسیاری از کارشناسان نسبت به چشم‌انداز تکرار این روند تردید دارند. با این حال برخی دیپلمات‌های سابق بر این باورند که تجربه سه دیدار پیشین دست‌کم نشان داده است، کیم جونگ اون به رابطه شخصی با رهبران آمریکا اهمیت می‌دهد و ترامپ نیز علاقه دارد از این دستاورد به‌عنوان برگ برنده در سیاست خارجی استفاده کند.

چشم‌انداز اجلاس ایک

اکنون با نزدیک شدن نشست آپک در گیونگجو، همه نگاه‌ها متوجه این است که آیا ترامپ و کیم بار دیگر دیداری غیرمنتظره خواهند داشت یا خیر. هرچند هنوز هیچ برنامه رسمی در این باره اعلام نشده است اما اظهارات مقام کاخ سفید درباره آمادگی «بدون پیش‌شرط» را می‌توان چراغ سبزی برای پیونگ‌یانگ دانست. با وجود آنکه در شرایط کنونی حتی برگزاری دیداری در حاشیه اجلاس آپک نیز بعید است، بتواند گره اصلی بحران یعنی موضوع خلع سلاح هسته‌ای را بگشاید اما با توجه به فضای پرتنش شرق آسیا، افزایش رزمایش‌های نظامی آمریکا و متحدانش و تداوم آزمایش‌های موشکی کره شمالی هرگونه دیدار احتمالی می‌تواند، تأثیرات قابل‌توجهی بر امنیت منطقه‌ای و حتی عرصه جهانی بر جای بگذارد.



این اندیشکده یادآور هشدارهای ژنرال فرانک مک‌تری، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در منطقه شد که توان موشک‌های ایران برای هدف قرار دادن العدید را «در کمتر از ۵ دقیقه» توصیف کرده بود و به واشنگتن توصیه کرد، انتقال پایگاه اصلی به نقطه‌ای دورتر از برد موشک‌های ایران در اولویت قرار گیرد. گزینه‌هایی مانند اسرئیل یا غرب عربستان سعودی به‌عنوان جایگزین‌های بالقوه مطرح شده‌اند تا آسیب‌پذیری کاهش یابد.

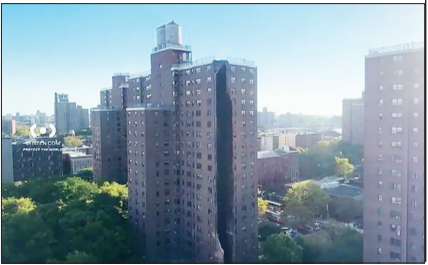
در مجموع آنچه در ظاهر یک تحرک نظامی ساده به نظر می‌رسد حامل پیام‌های سیاسی، بازدارندگی استراتژیک و محاسبات امنیتی پیچیده است. حضور گسترده ناوگان سوخت‌رسان آمریکا نه تنها آمادگی عملیاتی واشنگتن را افزایش می‌دهد بلکه تأکیدی دوباره بر شکنندگی امنیت در منطقه پرالتهاب خلیج فارس و آینده‌ای که بیش از هر زمان دیگری در هاله‌ای از ابهام فرو رفته، محسوب می‌شود.

آمریکا

انفجار وریش بخشی از یک برج مسکونی در نیویورک

گروه بین‌الملل: بخشی از یک برج مسکونی در محله «برانکس» نیویورک صبح دیروز به وقت محلی در پی انفجار گاز فروریخت. مقامات می‌گویند: انفجار در محفظه سوزاندن زباله ساختمان رخ داده و همین موضوع باعث شد که قسمتی از سازه فرو بریزد. با این حال، آتش‌نشانی نیویورک اعلام کرده است که هیچ مصدومی گزارش نشده و همه ساکنان از ساختمان خارج شده‌اند. انفجار باعث شد آجرها، دستگادهای تپو به هوا و دیگر آوارها روی ساختمان‌های اطراف، پیادرو و خیابان فرو بریزد. همچنین گزارش‌هایی از خروج با فشار آب از درون شکافی در زمین در پی ترکیدگی لوله منتشر شده است. به گزارش سی‌بی‌اس نیوز، شهردار نیویورک و مأموران آتش‌نشانی تأکید کرده‌اند که خطر گسترش حادثه برطرف شده و منطقه اطراف ساختمان برای اطمینان، تخلیه و ایمن‌سازی شده است. پلیس و نیروهای امداد در حال بررسی دقیق علت انفجار هستند هرچند تاکنون نشانه‌ای از خرابکاری با حمله عمدی وجود ندارد.

تصاویر تلویزیون محلی نشان داد که آوار از ساختمان به خیابان‌ها سقوط کرده و چندین طبقه از ساختمان دچار آسیب قابل توجه شده است. ساکنان خارج از مجتمع مسکن عمومی ایستاده و درباره آنچه دیده یا شنیده بودند صحبت می‌کردند، در حالی که خیابان‌ها و پیاده‌روها بسته باقی مانده بود. ساختمان واقع در ۲۰۵ الکساندر اونیو، در گوشه جنوب‌غربی جایی که انفجار رخ داده، دارای آجرهای شکسته و در معرض دید بود. مقامات مدیریت بحران شهر از مردم خواستند مسیرهای جایگزین استفاده کنند، زیرا انتظار می‌رود ترافیک و حضور نیروهای امدادی در منطقه باعث تأخیر شود. پیش‌تر نیز نیویورک شاهد چنین اتفاقات مشابهی بود. در آوریل ۲۰۲۳، یک پارکینگ در منهتن فرو ریخت و خودروها در هم سقوط کردند، در حالی که طبقات بتنی به زیرزمین سقوط کردند. یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند؛ همه آن‌ها کارکنان پارکینگ بودند. محققان در گزارشی در اوایل سال جاری اعلام کردند که فروپاشی ناشی از تغییرات غیرمجاز ساختمانی توسط کارکنان بود.



ادامه تیتربک

محبوبِ مظلوم



عکسی از دادگاه عبدالرحیم جعفری در دههٔ ۶۰

جعفری که قبل از تأسیس امیرکبیر، از خردسالی، به‌دنبال سفارش مادرش، در چاپ‌خانهٔ اکبر علمی در خیابان ناصرخسرو مشغول شده بود و چنان در این کار، همت و حمیت و غیرت به خرج داد و خود را بالا کشید که از کارگری ساده شروع کرد و ورق‌گیری و ورق تاکی و صحافی و حروف‌چینی را یاد گرفت تا به سرپرستی چاپ‌خانه رسید و گام‌به‌گام آموختنی‌های چاپ را فرا گرفت، حالا دیگر فوت‌وفن طبع و نشر کتاب را می‌دانست. می‌خواست روی پای خودش بایستد و سری در سرها درآورد و اسم و رسمی به هم زند. به خودش مطمئن بود. صدایی در وجودش، او را به خود فرا می‌خواند که می‌تواند و توانست. کار خود را با خرید سرقفلی نخستین فروشگاه خود در بالاخانهٔ ۱۶ متری چاپ‌خانهٔ خورشید در خیابان ناصرخسرو آغاز کرد و نخستین کتاب‌های منتشرشده‌اش پس از جزوهٔ «نماز» به تصحیح آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای جهت تبین و تبرک، «فن ورزش» ترجمهٔ منیر مهران و «انرژی اتمی» برگردان حسن صفاری بودند.

اویی که در ۱۲ سالگی، روزی ۱۰ شاهی مُزد گرفته بود، مؤسسه‌اش را به ۱۰ کتاب‌فروشی در تهران- از خیابان ناصرخسرو و بازار بین‌الحرمین تا چهارراه مخابراتدوله و شاه آباد قدیم (جمهوری اسلامی کنونی) و از روبه‌روی دانشگاه تهران و میدان فردوسی تا میدان شهناز سابق (امام حسین فعلی)- و بیش از ۴۰۰ نمایندگی در شهرهای ایران رساند.

مؤلفان و مصححان و مترجمان فراوانی را او کشف کرده و کسان بسیاری، انتشار نخستین کتاب‌شان را مرهون و مدیون او بودند و هستند. او که پرداخت حق‌التألیف و انعقاد قرارداد سفت و محکم از اصول بدیهی‌اش بود و بعضاً پیش از انتشار کتاب، حق پدیدآورنده‌اش را پرداخت می‌کرد و از همه مهم‌تر حقوق کارگران‌اش را همیشه پیش چشم داشت.

ناشری کارآفرین و خلاق و به نوآوری علاقه‌مند بود و مدام سر آن داشت تا طرحی نو دراندازد. ماجراجویی را در نشر می‌پسندید و خطرش را به جان می‌خريد و همین خطر کردن هم بود که آثاری ماندگار به یادگار گذاشت. افزون بر این، او از نخستین ناشرانی بود که کی‌رایت را مطمحن نظر و مورد توجه قرار داد.

او سرشار و سراسر از امید بود. وقتی به کسی ایمان می‌آورد، همه جوهر هوشش را داشت تا کتاب را به سر منزل مقصود و معهود برساند. چنان‌که اگر روایت پایداری و پای‌مردی‌اش برای به نتیجه رسیدن فرهنگ معین یا شاهنامه را در خاطرات‌اش بخوانید، پی می‌برید. اما درد و دریغ که همه‌اش حدود ساعت چهار بعدازظهر یک‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۶۲ یک‌شنبه از کفش رفت و حتی نگذاشتند با آن نام، بار دیگر کار کند. او را به محبس بردند و امیرکبیر را به مسلخ. عکس او در دادگاه که اخیراً از آرشیو روزنامهٔ اطلاعات بیرون آمد شاید گویای همه چیز باشد که در سرزمینی که فرهنگ باید بر صدر نشینند، ناشری را برای هیچ به محکمه می‌برند و محاکمه می‌کنند و دوسوم همه چیزش را مال خود کردند.

«امیرکبیر»ش را به رایگان، مصادره کردند و به یغما بردند. او که در همهٔ دوران کارش مطلقاً مستقل، چیزی جز خدمت به فرهنگ ایران در سر نداشت و در دل نیرورده بود با مشت‌ی نهتان و تهمت ازجمله اختلاس در چاپ و نشر کتاب‌های درسی، بی‌گناه خانه‌نشین شد و قربانی مطامع و منافع عده‌ای قلیل. حالا از آن نهاد پویا و جویا حالا جز مریضی محتضر باقی نمانده است. مؤسسه‌ای دارای تراز مالی فوق‌العاده با برندی جهانی بود، حالا خیلی وقت می‌شود که مثله شده و در آستانهٔ ورشکستگی است. و حتی جالب است که هنوز هم دارند، کتاب‌های «امیرکبیر» جعفری را بازنشر می‌کنند و یک آب هم رویش.

عبدالرحیم جعفری، مرد نستوهٔ نشر، تا آخرین نفس، یعنی ساعت ۱۰ شب شنبه، دهم مهر ۱۳۹۴ در بیمارستان ایرانمهر این جهان فانی را گذاشت و رفت، به‌دنبال احیای آن مرد هخامنشی سوار بر اراهه بود و آیینۀ تمامنمای امید را اوج ناامیدی. جعفری بنایی ساخت که چند نسل از کتاب‌نویسان و کتاب‌خوانان ایرانی با آن خاطره ساختند و از آن خاطره داشتند. بعضی کارها، کار هر کسی نیست. به قول قدیمی‌ها، گاو نرمی خواهد و مرد کهن.

کافه

تازه‌های ادب و هنر

مردی از جنس امیرکبیر

مراسم پاس داشت دهمین سال‌روز درگذشت عبدالرحیم جعفری

بنیان گذار مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

نخواستند، بفهمند او از جنس دیگری است. هربار پیش‌اش می‌رفتم، نامه‌های اعتراض‌اش را با بغض برآیم می‌خواند. فرهنگ ما مدیون اوست.»

نقش ناشرانهٔ آتقی

در ادامه عبدالحسین آذرنگ، مدیر بخش تاریخ معاصر و عضو شورای عالی علمی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، دربارهٔ اهمیت و تأثیرگذاری‌های امیرکبیر جعفری گفت: «عبدالرحیم جعفری، ناشر عمومی بود. مخاطب نشر عمومی در هیچ‌کجا ثابت نیست و عامل‌های مختلف و متعدد بر گرایش او به خریدن و خواندن کتاب تأثیر می‌گذارد. نشر عمومی برای بقا و تداوم به سیاست‌ها و برنامه‌های انتشاراتی انعطاف‌پذیر، مبتنی بر پیش‌بینی و هشیار به همهٔ تحولات و به عامل‌هایی نیاز دارد که بر خریداران و خوانندگان کتاب تأثیر می‌گذارند. عبدالرحیم جعفری را در فضا، حال‌وهوا، دورهٔ زمانی و در مسیری باید دید که جامعهٔ ما در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ تا آستانهٔ مقدمات انقلاب ۱۳۵۷ یا آن روبه‌رو بود. در آن دورهٔ حدوداً ۲۵ ساله، نسلی از کارآفرینان، مبتکران، راه‌گشایان و دوران‌سازان به صحنه آمدند که هر کدام و یزگی‌های فردی و شخصیتی خود را دارند، در چند چیز، به‌ویژه در ساختن و ساختن اشتراک دارند. عبدالرحیم جعفری از خانواده‌ای تنگ‌دست برخاست و از نوجوانی کارگری کرد، با غلبه بر دشواری‌ها و مانع‌های بسیار نشر کوچکی را به راه انداخت و به استقلال عمل دست یافت. سپس به یاری هوش و شم غریزی‌اش، همراه با جسارت و مخاطره‌پذیری و آزمون و خطا، راه خود را یافت. مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر در سال‌های واپسین فعالیتش بود که چرخهٔ نشر خود را کامل کرد و به سمتی رفت که اگر قیچی روزگار رشتهٔ آموزش را نمی‌ژید به مؤسسه‌ای تبدیل می‌شد که با ناشران کامل روزگار خود همانند می‌شد. به هرحال، عبدالرحیم جعفری نقش ناشرانهٔ خود را در همان دوره‌ای که عرض کردم با این اقدامات ایفا کرد؛ تشخیص نیازهای مخاطبینش، دسته‌بندی مخاطبان و انتشار کتاب‌های مناسب آن‌ها سپس رفتن به سمت مجموعه‌سازی و متناسب ساختن محتوای هر مجموعه با قشرهای مخاطب همان مجموعه‌ها. قصد اشاره به قدرت تشخیص و راهبرد (استراتژی) انتشاراتی مردی است که در روزگار و در صف خود کم‌نظیر بود. عبدالرحیم جعفری، وطن‌دوست بود و پیشرفت و اعتلای ایران از آرزوهای عمیق او بود. این را نه‌فقط براساس آنچه درباره‌اش نوشته‌اند، با بررسی مستقیم دستاوردها و فعالیت‌هایش می‌گویم. در دیدارها و گفت‌وگوهایی که با او داشتم، عواطف درونی‌اش را حس می‌کردم. نزدیکانش به او آتقی می‌گفتند. تقی نام کوچک میرزا تقی‌خان امیرکبیر. عبدالرحیم جعفری، نام مؤسسه انتشاراتی‌اش را امیرکبیر گذاشته بود، از سر عشق به آن مرد وطن‌پرست و هم‌با توسعه و رونق انتشارات امیرکبیر، این راهبرد را دنبال کرد که پوشش نشرش همهٔ طبقات و قشرهای جامعهٔ ما را دربرگیرد و کتاب از همهٔ راه‌های موجود و ممکن و در هر نقطه‌ای از کشور که امکان جذب داشت به دست خوانندگان برسد.»

آیین پاس‌داشت دهمین سال‌روز درگذشت عبدالرحیم جعفری، بنیان‌گذار مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر با عنوان «امیرِ کبیرِ نشر» به میزبانی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و با همکاری نشر نو، عصر سه‌شنبه ۸ مهر برگزار شد.

کاخ‌ی از ابداع

به گزارش روابط‌عمومی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، در آغاز این پاس‌داشت کاظم موسوی‌چنوردی، رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی گفت: «امروز در بزرگ‌داشت مردی گرد هم آمده‌ایم که از همت و کوشش شخصی و آرزوی اعتلا و پیشرفت فرهنگ ایران، کاخی از ابداع ساخت. نهالی که او با رنج و کوشش و پای‌مردی در جوانی در این سرزمین کاشت، درختی تناور شد و بر سر فرهنگ‌دوستان و دل‌بستگان به کتاب سایه گسترد. خدمات زندیاد عبدالرحیم جعفری، بنیان‌گذار مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر در نشر وزین و آراسته و استوار کتاب، نقشی بی‌بدیل در پرورش نسلی از نویسندگان و مترجمان و ویراستاران داشت که غالباً در جوانی از حمایت او برخوردار شده بودند و اندک‌اندک در فرهنگ ایران سر بر آوردند و خود به استوانه‌های فرهنگ روزگار ما تبدیل شدند. دربارهٔ ستم جان‌سوزی که بر عبدالرحیم جعفری رفت گفتنی‌ها بسیار است و خود او بی‌اغراق تا دم واپسین از کوشش برای احقاق حق مسلم خود باز نایستاد زیرا حتی در سال‌خوردگی هم بر همان عهد و پیمان روزگار بنیان‌گذاری امیرکبیر بود و می‌کوشید تا به‌نحوی آن خدمت فرهنگی را از سر گیرد.»

مدیون حمایت‌های جفری هشتم

در ادامه لیلی گلستان، مترجم و گالری‌دار، که نخستین ترجمه‌اش با عنوان «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» اثر اوریانا فلاچی را در امیرکبیر منتشر کرد، گفت: «چهل‌وچند سال گذشت و یک جعفری درنیامد. وقتی خواستم کتابی ترجمه کنم تا فرزندانم همان لذتی را ببرند که من می‌برم و «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» را ترجمه کردم، سیروس طاهباز گفت باید یک‌جا بروی و آن امیرکبیر است. رفتم به دفتر آن در خیابان سعدی، نزد عبدالرحیم جعفری. گفت این کتاب را تو ترجمه کردی و وقتی تأیید کردم، گفت یک ماه دیگر به تو زنگ می‌زنم. دو روز بعد زنگ زد و قرارداد را جلویم گذاشت و وقتی امضا می‌کردم، اشک می‌ریختم و کتاب سال ۱۳۵۰ چاپ شد. او آن‌چنان با من برخورد کرد که هیچ‌کس با من چنین نکرده بود. من به لطف او مترجم شدم و ادامه دادم و این ۶۰ کتاب را مدیون حمایت‌های او هستم. آن موقع رسم نبود برای کتاب پوستر طراحی کنند ولی برای این کتاب چنین کرد و روزی که به کتاب‌فروشی‌های مقابل دانشگاه رفتم، دیدم همه آن را پشت شیشه‌های‌شان چسبانده‌اند. این آدم قابل تقدیر است و باید الگو باشد که به فرهنگ ایران خدمت کرد و قدرش دانسته نشد. چون

سینمای جهان

دزدی هویت

اعتراض شدید هنرمندان و انجمن بازیگران

به استفاده از بازیگر هوش مصنوعی

پس از اعتراض شماری از بازیگران درجه‌یک هالیوودی به اولین بازیگری که توسط هوش مصنوعی ساخته و در یک فیلم به کار گرفته شده است، انجمن بازیگران آمریکا با انتشار بیانیه‌ای، این امر را محکوم کرد. ستارگان هالیوود مانند لوکاس کیج، ملیسا باررا، کرسی کلمونز، مارا ویلسون و دیگران به سرعت در رسانه‌های اجتماعی این ساخته هوش مصنوعی را محکوم کردند. وویی گلدبرگ قسمتی از برنامه خود را به این امر اختصاص داد که آیا یک «بازیگر» هوش مصنوعی می‌تواند، جایگزین یک بازیگر انسانی شود؟ گلدبرگ عنوان کرد: تیلی نگاه بست دیویس را دارد، لب‌های همفری بوگارت را دارد و ترکیبی از ۵ هزار چهره مختلف است، کمی ناعادلانه است. نیست؟ خب ادامه دهید اما همیشه می‌شود آنها را از ما تشخیص داد. ما متفاوت حرکت می‌کنیم، چهره‌هایمان متفاوت حرکت می‌کنند، بدن‌هایمان متفاوت حرکت می‌کنند.

وویی گلدبرگ گفت: پس از آنکه بسیاری از بازیگران خواستار تحریم آژانس‌هایی شدند که قصد عقد قرارداد با بازیگران هوش مصنوعی را دارند حالا سازنده او ادعا می‌کند که تیلی، جایگزینی برای یک انسان نیست بلکه یک اثر خلاقانه است و شخصیت‌های هوش مصنوعی باید به عنوان بخشی از ژانر خودشان قضاوت شوند نه اینکه با بازیگران انسانی مقایسه شوند. امیلی بلانت هم که خبر ساخته شدن چنین ابزاری را در مصاحبه با ویرایتی دریافت‌ه بود با تماشای فیلم آن با شوک و ترس واکنش نشان داد و گفت: آیا این من را ناامید می‌کند؟ نمی‌دانم چطور

پاسخ کاملی بدهم جز اینکه بگویم، چقدر وحشتناک است. آژانس‌ها. لطفاً بس کنید. لطفاً ارتباط انسانی ما را از بین نبرید.

ملیسا باررا در اینستاگرام نوشت: امیدوارم همه بازیگرانی که توسط مدیری که این کار را انجام می‌دهد، استخدام شده‌اند از این کار دست بردارند. چندش‌آور است.

کرسی کلمونز اضافه کرد: کارگزاران را بیرون کنید. اسم آنها را می‌خواهم.

مارا ویلسون، بازیگر فیلم سینمایی «ماتلیدا» هم در صفحه خود در فضای مجازی نوشت: «شرم بر این افراد. آنها چهره صدها زن جوان را دزدیده‌اند تا این بازیگر هوش مصنوعی را بسازند. آنها خالق نیستند، دزد هیت‌اند».

لوکاس گیج هم استفاده از این ابزار را کابوسی برای کار کردن خواند. ملیسا باررا، بازیگر فیلم‌های ترسناک «جیج» نوشت: «امیدوارم همه بازیگرانی که نماینده‌شان این کار را می‌کند، او را رها کنند. چه کار زشتی، کمی شرایط را درک کنید».

نیکلاس الکساندر جاوز، بازیگر سریال «هیولاها: داستان لایل و اریک منندز» هم نوشت: «ان یک بازیگر نیست، تلاش خوبی بود»! تیلی نوروود، اولین بازیگری که توسط هوش مصنوعی ساخته شده توسط انجمن بازیگران آمریکا (SAG-AFTRA) محکوم شد. این انجمن با انتشار بیانیه‌ای، ساخته شدن تیلی نوروود اولین بازیگری که هوش مصنوعی آن را خلق کرده و خالقش ادعا کرده است، چندین

سینمای ایران

سختگیری کردیم

دبیر جشنواره فیلم کودک و نوجوان جزئیات برگزاری را تشریح کرد

نیست بلکه برشی از سینماست که می‌تواند ژانرهای مختلفی داشته باشد. بنیاد سینمایی فارابی متعلق به همه مخاطبان سینمایی است پس باید آغوششش برای همه سلیاق باز باشد. تلاش ما در دوره جدید این است که پذیرای حضور همه دوستان باشیم. وی افزود: سال‌ها سینماگران زیادی به بنیاد مراجعه کردند و فیلم‌هایشان موفق نبوده است. رویکرد ما این است که تلاش کنیم، حمایت‌ها را معطوف به این کنیم که فرصت در اختیار آدم‌های جدید قرار بگیرد مگر اینکه یک فیلمسازی در عملکرد خودش موفق بوده باشد. باید این واقعیت را پذیرفت که سینما یک موضوع فرهنگی است و امر فرهنگی در کوتامدت تاثیر خودش را نشان نمی‌دهد. اثری در بنیاد فارابی ساخته شده که توفیق خوبی در اکران داشت در نتیجه برای تشویق فیلمساز تلاش کردیم، قسمت دوم آن فیلم نیز ساخته شود.

وی درباره رویکردش در پویایی سینمای کودک توضیح داد: ما تلاش داریم برای جشنواره یک دبیرخانه دائمی ایجاد کنیم. پس از جشنواره، نیاز به اثرسجی داریم، تمام آثار با هدفی تولید می‌شوند اما هرگز این نکته را بررسی نکردیم که آیا هدف فیلم‌ها به سرانجام رسیدند؟ یا مخاطب متوجه پیام فیلم‌ها شد؟ نقطه نخست باید این باشد که بازخورد کودکان را نسبت به فیلم‌هایی که ساخته می‌شوند، بسنجیم و اینگونه افق پیش روی ما مشخص می‌شود. ۱۱۲ فیلم در حوزه کودک به بنیاد فارابی فرستاده شد اما از طرفی ما رصد می‌کنیم که به سینماگران خوب و باکیفیت مراجعه کنیم و ایده‌هایشان را در بنیاد با ما به اشتراک بگذارند. سینمای کودک در حوزه عرضه آثار نیز باید حمایت شوند. اگر می‌خواهیم در سینمای کودک که موفقیت برسیم باید الگوهای موفقی در حوزه تولید و عرضه، ترسیم کنیم و مزایایی برای سینمای کودک در نظر بگیریم که سرمایه‌گذاران را ترغیب کند. دبیر جشنواره کودک درباره پرداختن به نسل کشی در غزه گفت: در فرایند بازبینی آثار، تعداد خوبی فیلم مرتبط با جنگ غزه و جنگ ۱۲ روزه بودند. آشناری که از کیفیت خوبی برخوردار بودند به جشنواره راه پیدا کردند. وی در پاسخ به این پرسش که چرا آثار برگزیده جشنواره کودک مانند «دختر برقی») اکران نمی‌شوند، توضیح داد: فیلم خوب اگر به دست مخاطب نرسد، تاثیرگذاری ندارد اما باید ببینیم که با انباشتی برخی فیلم‌ها پشت اکران مواجه هستیم. برای رفع این مساله سازوکارهایی پیش‌بینی کرده‌ایم که ناظر بر تمام تولیدات کودک و نوجوان است. جعفری تصریح کرد: نمایش فیلم‌های بخش ملی و بین‌المللی الزاماتی دارد و تولیدات داخلی باید آمادگی رقابت با آثار خارجی را داشته باشند. حق بخش برخی از فیلم‌های خارجی بسیار بالاست و در برخی موارد تنها برای داوران به نمایش گذاشته می‌شود اما امسال تلاش کردیم که تمامی فیلم‌ها را برای مردم هم اکران کنیم. سینمای کودک به نوعی شبیه صنعت خودروسازی است به طور مثال ما نمی‌توانیم واردات خودروی خارجی را آزاد کنیم چون ممکن است تولیدات داخلی از بین برود.

وی افزود: یکی از نقاط ضعف جشنواره در ادوار گذشته این بود که یا بخش بین‌المللی نداشتیم یا بخش بین‌الملل کاملاً از بخش ملی جدا بود اما امسال سعی داریم، بستر تعامل میان افراد از همان روز نخست فراهم باشد. ما برای جدی گرفتن سینمای کودک نیاز داریم که نهادهای مختلف، این جشنواره را جدی بگیرند. دوستان صداسیما برای تبلیغ جشنواره همکاری خوبی با ما داشتند اما برخی نهادها، تقاضای پول‌های عجیبی می‌کردند.

جعفری در پاسخ به پرسش دیگری درباره اینکه آیا امسال المپیاد فیلمسازی نوجوانان برگزار می‌شود و اینکه چرا المپیاد امسال همزمان با جشنواره برگزار نشده است؟ گفت: المپیاد حتماً امسال برگزار می‌شود. در ادوار گذشته نیز این سابقه وجود داشته است که المپیاد همزمان با جشنواره برگزار نشود. ما نیز امسال به این دلیل که کیفیت برگزاری المپیاد را حفظ کنیم و از شتابزدگی در برگزاری المپیاد پرهیز کنیم، زمان برگزاری را به تعویق انداختیم. جعفری در پایان نشست گفت: مانند سال‌های قبل ما دو اختتامیه برگزار می‌کنیم. اختتامیه فیلم‌های کوتاه و پویانمایی، دوشنبه ۱۴ مهر و اختتامیه فیلم‌های بلند داستانی، چهارشنبه ۱۶ مهر برگزار می‌شود.

نشست رسانه‌ای سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با حضور حامد جعفری، دبیر این جشنواره صبح روز گذشته در بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد.

حامد جعفری در ابتدای این نشست بیان کرد: امسال جشنواره علاوه بر اصفهان در ۱۹ استان دیگر نیز به نمایش درمی‌آید. جمعه این جشنواره افتتاح و چهارشنبه اختتامیه این رویداد برگزار می‌شود. به گفته دبیر جشنواره ۳۹۳ اثر متقاضی حضور در جشنواره بودند که حدود ۸ فیلم بلند داستانی در بخش مسابقه، ۱۹ فیلم کوتاه در بخش مسابقه و ۱۱ انیمیشن در بخش انیمیشن جشنواره حضور دارند. ۱۸۳ اثر در بخش بین‌الملل مسودر بازبینی قرار گرفت و ۹ فیلم بلند داستانی، ۹ فیلم کوتاه و انیمیشن در بخش مسابقه حضور دارند. ما درخواست صدور روایتی مهمانان را اعلام کردیم و به امید خدا شنبه میزبان این مهمانان در اصفهان هستیم.

جعفری در ادامه گفت: بزرگداشت زهره شکوفنده پیش‌کسوت دوبله، بزرگداشت داریوش فرضیایی (عمو پورنگ) و نکوداشت مهدی مسعودشاهی، مدیر فرهنگی فقید در جشنواره برگزار می‌شود. بنای ما این بود که جشنواره امسال به صورت یکپارچه با بخش بین‌المللی برگزار شود اما به‌دلیل محدودیت‌ها، بخش ملی و بین‌المللی مانند سال‌های گذشته جدا هستند.

جعفری درباره برنامه‌های جنبی جشنواره بیان کرد: حدود ۴۰ تئاتر خیابانی به همت شهرداری اصفهان درباره جشنواره طراحی شده است و با حضور چهره‌های محبوب کودکان و نوجوانان، برنامه‌هایی برگزار می‌شود. چند گروهملی به در اصفهان داریم همچنین نشست‌های «قرا هفت» در تهران برگزار شدند.

دبیر جشنواره در پاسخ به پرسش سازندگی درباره اینکه چند فیلم حاضر در جشنواره می‌تواند در گیشه موفق بوده و حرفی در سینمای کوک داشته باشد، گفت: ما در جشنواره سعی کردیم که سختگیری داشته باشیم هرچند برخی ملاحظات وجود دارد که ما هم مجبور هستیم برای برگزاری جشنواره به آنها تن بدهیم؛ یعنی ممکن است آثاری وجود داشته باشند که از نظر ما کیفیت لازم را نداشته باشد اما زمانی که فیلم کودک می‌ساختم، سعی کردیم کار با کیفیت بسازیم که مخاطب داشته باشد. ما در فارابی ره تلاش می‌کنیم در دوره‌های آتی به این موضوع توجه کنیم اما معتمد باید جشنواره برگزار شود تا بضاعت سینمای ایران را پیمایش کنیم و یک پاسداشت نسبت به آن داشته باشیم تا کسی که بیشتر زحمت کشیده، تشویق شود. اگر جشنواره برگزار نشود ممکن است فعالان خوب این حوزه دلسرد شوند. کارگردانان بسیاری هستند که فیلم کودک می‌ساختند اما به خاطر بی‌توجهی و قدرشناسی به سمت سینمای بزرگسال رفتند. قضاوت درباره اینکه آثار این دوره بعدها چقدر می‌توانند در گیشه موفق باشند مربوط به بعد است اما تلاش کردیم، آثار خوبی حضور داشته باشد. به نظر بیش از دو فیلم خوب باکیفیت که بعدها در گیشه موفق باشند در جشنواره حضور دارد. مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی درباره نکوداشت شهدای

کودک و نوجوان جنگ ۱۲ روزه بیان کرد: در مراسم رونمایی از بوستر جشنواره، توجه ویژه‌ای به خانواده شهدا داشتیم.

وی درباره برگزاری دوساله جشنواره گفت: یک دلیل مهم درباره برگزاری این جشنواره وجود دارد و آن هم این است که ما هر چقدر به سینمای کودک و نوجوان اهمیت دهیم، فیلمسازان را ترغیب می‌کنیم که به مسیر فیلم‌سازی خودشان ادامه دهند. شرایط جشنواره مطلوب نیست و حدود ۲۵ فیلم بلند به جشنواره ارسال شد که تنها ۸ فیلم انتخاب شدند. این مساله نشان می‌دهد که سطح کیفی و کمی تولیدات زیاد نیست. جشنواره کودک تنها میعادگاه فیلمسازان کودک و نوجوان است و برگزاری سالانه این جشنواره حتماً کمک‌کننده است. همچنین در سال‌هایی که جشنواره تعطیل شد، اتفاق خوبی در این حوزه رخ نداد و این موضوع نشان می‌دهد که تعطیلی جشنواره منجر به بهبود کیفی و کمی تولیدات کودک نمی‌شود. مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی درباره رویکردش در حمایت از تولید آثار بیان کرد: تولیدات حوزه کودک باید برای مخاطب کودک تولید شود و رویکرد سال‌های اخیر به نتیجه نرسید و ما امسال با آثاری مواجه بودیم که شاید کمتر در جذب مخاطب توفیق پیدا کنند. سینمای کودک یک ژانر



عکس: احسان مینابیان

راکتگر ایران

در ادامه «میلاذ کیایی» موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز، خاطراتی درباره پیانوآموزی جعفری در ۹۰ سالگی تعریف کرد. سپس کاوه میرعباسی، مترجم، درباره نخستین کتابش در امیرکبیر با عنوان «افسانه‌های مجارستانی» در مجموعه افسانه‌های ملل گفت: «۱۴ سال داشتم که کتاب «افسانه‌های مجارستانی» را ترجمه کردم و برای فریدون بدره‌ای، مسئول کودک و نوجوان انتشارات امیرکبیر بردم و دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۰ چاپ شد اما شخصاً هیچ‌وقت عبدالرحیم جعفری را ملاقات نکردم. من اگرچه بنیان‌گذار امیرکبیر را نشناختم ولی شیرین‌ترین و شورانگیزترین و شگفت‌آورترین خاطرات کتاب‌خوانی‌ام با امیرکبیر بود. امیرکبیر رسم پسندیده‌ای داشت و به کارمندان دولت، کتاب قسطی می‌فروخت و پدرم که کارمند بانک ملی بود، قسطی کتاب می‌گرفت. تابستان ۱۳۴۲ به شعبه شاهدآباد امیرکبیر رفتم و ۶۰۰ تومان کتاب خریدیم که برام بی‌اندازه شادی‌آفرین بود از جمله «جادوگر شهر زمرد» با ترجمه ابوالقاسم حالت را خریدیم و به برکت کتاب‌های طلایی با خیلی از آثار کلاسیک آشنا شدم.»

حمیدرضا محمدی، مدیر روابط‌عمومی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در ادامه پیام محمّد استعلامی و سروش حبیبی را خواند. حبیبی در بخشی از متن خود نوشته بود: «زند یاد عبدالرحیم جعفری نه ستاره بلکه در آسمان فرهنگ ایران خورشیدی تابان بود. از آنچه بود و کرد هرچه بگویم کم گفته‌ام و در همه حال تکرار گفته‌ها و نوشته‌های دیگری خواهد بود که او را بهتر از من شناخته‌اند. به‌عقیده من اگر او را راکتگر ایران بدانیم، حرف گرافی نزده‌ایم.»

نماینده استعدادیابی قصد امضای قرارداد با این ساخته هوش مصنوعی را دارند، محکوم کرد. این مخلوق به موضوعی بحث‌برانگیز در هالیوود بدل شده و انجمن بازیگران که سپس از اظهار نظر چندین بازیگر درجه یک اکنون در این مورد موضع‌گیری کرده، معتقد است که «خلاقیت، انسان‌محور است و باید باقی بماند».

انجمن بازیگران نوشت: «تیلی نوروود» بازیگر نیست بلکه شخصیتی است که توسط یک برنامه کامپیوتری خلق شده و اساس خلق شدن او هم کار بازیگران حرفه‌ای بی‌شماری بوده که بدون اجازه یا دادن غرامت به آنها از تجربیات‌شان برای ساخت آن استفاده شده است. در بیانیه همچنین آمده است: این موجود هیچ تجربه زندگی برای الهام گرفتن ندارد، هیچ احساسی ندارد و از آنچه دیده‌ایم، مخاطبان علاقه‌ای به تماشای محتوای تولید شده توسط کامپیوتر که از تجربه انسانی جدا



تیلی نوروود بازیگر هوش مصنوعی

شده باشد، ندارند. چنین فیلمی هیچ «مشکلی» را حل نمی‌کند و تازه مشکل استفاده از اجراهای دزدیده شده برای بیکار کردن بازیگران، به خطر انداختن معیشت بازیگران و بی‌ارزش کردن هنر انسانی را ایجاد می‌کند. این انجمن افزود: تهیه‌کنندگانی که برای استفاده از این ساخته قرارداد امضا می‌کنند باید آگاه باشند که نمی‌توانند بدون رعایت تعهدات قراردادی ما، از بازیگران مصنوعی استفاده کنند.

از سوی دیگر الین ون درولدن خالق این اثر با بیان اینکه تیلی جایگزینی برای انسان نیست بلکه یک اثر خلاقانه و یک اثر هنری است، سعی کرد از خود دفاع کند. وی از تیلی به عنوان یک ابزار جدید و یک قلم‌موی جدید یاد کرد که جایگاهی مانند انیمیشن، عروسک‌گردانی یا صنعت سی‌جی‌آی دارد و امکانات جدیدی فراهم کرده است.

استودیوی تولید هوش مصنوعی «پارِتیکل ۶» که متعلق به ون درولدن است، خالق این محصول است و ون درولدن روز شنبه در نشستی در زوریخ گفت که کارگزاران آژانس‌ها برای خرید آن دارند سروست می‌شکنند. این خبر موجی از نارضایتی فوری و یک حساب کاربری طنز در رسانه‌های اجتماعی را شکل داد.

به گزارش رویترز، نگرانی‌ها درباره سوءاستفاده یا حتی جایگزینی بازیگران و نویسندگان هالیوود با فیلمنامه‌ها و شخصیت‌های تولید شده با هوش مصنوعی از مسائل مهم در آخرین دور مذاکرات اتحادیه بازیگران با استودیوها و سرویس‌های نمایش آنلاین بود.

استفاده از تصاویر رایانه‌ای (CGI) در صنعت فیلم و تلویزیون، موضوع تازهای نیست و نرم‌افزارهای تقویت شده با هوش مصنوعی اخیراً در افکت‌هایی مانند فناوری «جوان‌سازی» برای بازآفرینی نسخه‌های جوان‌تر بازیگران به کار رفته‌اند. با این حال امکان بازسازی کامل یک نقش‌آفرینی سینمایی بلندمدت توسط شخصیت‌های هوش مصنوعی هنوز دور از دسترس دانسته می‌شود. با وجود این، توجه ناگهانی مأموران استعدادیابی به شخصیت‌های تولید شده با هوش مصنوعی موجب واکنش سریع و تند اتحادیه بازیگران آمریکا شد؛ اتحادیه‌ای که نماینده ۱۶۰ هزار بازیگر، گوینده، هنرمند ضبط صدا، بدلکار و سایر استعدادهاست.

بازار سهام

پایان تب‌دار

چرا بازار سهام هفته را با رشد به پایان نرساند؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

هفته گذشته را باید هفته‌ای عجیب برای بازار سهام دانست؛ هفته‌ای که آغازی خوش داشت اما پایانی ناخوش. دیروز بازار سهام با روندی پرنوسان همراه شد؛ به طوری که شاخص کل بورس در پایان معاملات با کاهش ۶ هزار و ۶۹۲ واحدی معادل ۲۴/۰ درصد در سطح ۲ میلیون و ۷۲۸ هزار و ۴۸۳ واحد قرار گرفت. شاخص کل هم‌وزن نیز با افت ۵ هزار و ۱۶۵ واحدی معادل ۶۴/۰ درصد به محدوده ۸۰۳ هزار و ۸۱ واحد رسید و نشان داد، فشار عرضه در سهام کوچک‌تر بازار کمی سنگین‌تر بوده است.

بازار سهام دیروز در ابتدای معاملات با نشانه‌هایی از بهبود همراه شد. برخی نمادهای بزرگ و گروه‌های شاخص‌ساز توانستند، خریداران بیشتری را جذب کنند و امید به مثبت شدن مجدد شاخص‌ها را افزایش دهند. اما در نیمه دوم زمان معاملات، دوباره فروشندگان پر قدرت ظاهر شدند و اجازه ندادند که جریان تقاضا به مسیر اصلی بازار تبدیل شود. با این حال باید توجه داشت که فروشندگان هم قدرت قاطعی نسبت به خریداران نداشتند و تنها توانستند، مانع از تثبیت روند صعودی شوند. در نتیجه، افت دیروز هرچند عددی محسوس بود اما ترسناک و هراس‌انگیز تلقی نمی‌شود. در جریان معاملات دیروز، حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۲۸/۹ میلیارد واحد و ارزش معاملات به حدود ۲/۱۳ هزار میلیارد تومان رسید. سرانه خرید حقیقی‌ها در سطح ۷/۲۶ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۷۸ میلیون تومان ثبت شد که نسبت قدرت خرید حقیقی به فروشندگان را به عدد ۰/۲-۱ رساند. خروج پول حقیقی نیز حدود ۱،۲۸۰ میلیارد تومان بود که نشان می‌دهد، احتیاط سرمایه‌گذاران همچنان ادامه دارد.

در مقابل، جریان پول به سمت صندوق‌های درآمد ثابت نیز منفی بود؛ به طوری که بیش از ۷۹۱ میلیارد تومان از این صندوق‌ها خارج شد. این نکته بیانگر آن است که نقدینگی با تردید همراه بوده و بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند فعلا دست به نقد باقی بمانند یا اینکه پول خود را به بازارهای موازی ببرند. در پایان معاملات ۲۲۷ نماد در محدوده مثبت و ۵۶۶ نماد در محدوده منفی معامله شدند. این ترکیب نشان می‌دهد که فشار عرضه در سطح نمادها، گسترده‌تر از تقاضا بوده اما همچنان تعداد قابل توجهی از سهام توانستند در محدوده مثبت باقی بمانند و از افت شدیدتر شاخص‌ها جلوگیری کنند. بررسی سفارش‌ها نشان می‌دهد که در دقیقه پایانی معاملات، ارزش سفارشات خرید به ۶۰۶ میلیارد تومان رسید در حالی که ارزش سفارش‌های فروش ۱،۸۲۹ میلیارد تومان بود. تعداد صف‌های خرید به ۶۰ نماد و صف‌های فروش به ۲۵۰ نماد افزایش یافت. این اختلاف بیانگر تداوم نگرانی‌ها در بخشی از سهامداران است اما از سوی دیگر حجم نسبتاً متعادل سفارش‌ها در مقایسه با روزهای بحرانی گذشته نشان می‌دهد، بازار هنوز در موقعیت شکننده‌ای قرار ندارد.

بازار سهام در روز چهارشنبه ۹ مهر ۱۴۰۴ صحنه تقابل نزدیک خریداران و فروشندگان بود. خریداران در ابتدای معاملات امید داشتند، ورق بازار برگردد اما در نیمه دوم فروشندگان اجازه ندادند، روند مثبت تثبیت شود. با این حال افت بازار همراه با هیجان منفی شدید نبود و شرایطی مشابه روزهای بحرانی در بازار دیده نشد.

در روزهای اخیر رشدهای کم‌نظیر قیمت‌ها، صف‌های خرید قدرتمند، ورود پول تازه‌نفس و دستیابی شاخص بورس به کانال‌های جدید همگی نشانه‌هایی بوی منی بر آنکه فارغ از مسائل سیاسی، آنچه در نهایت بازار سهام را دستخوش تغییر می‌کند، اقتصاد است. مسأله‌ای که در تجربه شرایط بورس مسکو نیز به وضوح دیده می‌شد که بیش از سه سال جنگ و تحریم در نهایت آنچه روند بورس را بهتر توضیح می‌داد، متغیرهای اقتصادی بود. آنچه به نظر می‌رسد بیش از هر چیز پیشران رونق سهام شد یک سیگنال از اصلاح اقتصادی است. طبق تازه‌ترین اظهارات معاون ارزی بانک مرکزی شرکت‌های پتروشیمی و فولادی در حال همکاری با سکاندار پولی و عرضه ارز خود در بازار توافق هستند. اتفاقی که بارها اقتصاددانان به عنوان نسخه نجات دو بازار ارز و سهام بر آن تأکید کرده بود. کاهش شکاف ارزی نه تنها جلوی فساد و رانت‌پاشی را در اقتصاد می‌گیرد بلکه با بهبود سود شرکت‌ها به سهام رونق می‌دهد و از جذابیت بازارهای سفته‌بازی می‌کاهد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

درس‌های اعتراضی

چه رابطه‌ای میان امنیت اجتماعی و بازار کار وجود دارد؟

مهتا معرفت

مترجم

در قلب اقتصاد پویای چین، میلیون‌ها کارگر موقت در حال بازتعریف مفهوم کار هستند. از مزارع روستایی تا کارخانه‌های پریهاووی شهری، این ارتش غیررسمی با هدایت سکوهای دیجیتال، از تحویل غذا تا خطوط تولید، به سرعت در حال گسترش است. اما در پس انعطاف‌پذیری این مشاغل، داستان‌هایی از ناامنی، محرومیت از خدمات عمومی و آینده‌ای نامطمئن نهفته است. تجربه چین به‌عنوان پیشگام اقتصاد غیررسمی جهان، درس‌هایی جهانی ارائه می‌دهد: چگونه می‌توان تعادلی بین انعطاف‌پذیری بازار کار و امنیت اجتماعی برقرار کرد تا نسل جوان در این تحول عظیم گم نشود؟ بزرگ‌ترین نیروی کار جهان، تحولی فوق‌العاده را تجربه می‌کند. ارتشی از کارگران موقت به کارگران کشاورزی و صنعتی پرولتاریای چین پیوسته‌اند. هم‌اکنون ده‌ها میلیون نفر برای یافتن مشاغل کوتاه‌مدت از سکوهای فناوری استفاده می‌کنند و ۲۰۰ میلیون نفر معادل ۴۰ درصد از نیروی کار شهری به‌نوعی کار انعطاف‌پذیر وابسته‌اند. سرنوشت این کارگران موقت که بسیاری از آنها

از خرید ملک و دسترسی به خدمات و مزایای عمومی محروم هستند، اقتصاد و جامعه چین را در سال‌های آینده شکل خواهد داد. هم‌زمان با بازسازی بازارهای کار از طریق فناوری، کارگران موقت چین درس‌هایی به کشورهای مختلف ارائه می‌دهند.

به لطف پذیرش زود هنگام «ابرآپ‌ها» (Super Apps-) که بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم را سامان می‌دهند، چین به مامن پیشرفته‌ترین اقتصاد غیررسمی جهان تبدیل شده است. امروزه ۸۴ میلیون نفر از مردم کشور به اشتغال مبتنی بر سکوها از قبیل رانندگی تاکسی و تحول غذا متکی هستند. با گسترش اپلیکیشن‌های مصرفی، این نوع اشتغال در سراسر آسیای نوظهور گسترش یافته است. حدود ۱۰ میلیون نفر در هند چه در داخل و چه در خارج از سکوها در اقتصاد غیررسمی کار می‌کنند. این رقم در مالزی ۲/۱ میلیون نفر معادل حدود ۷ درصد از نیروی کار است. اخیراً کار موقت در چین به بخش تولید هم تعمیم یافته است. پرولتاریای منظم به‌تدریج جایش را به میلیون‌ها کارگر موقت می‌دهد که مشاغل را بر مبنای تقاضا پرمی‌کنند و با هدایت سکوهای بزرگ

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

اکتبر طلایی

بیت کوین به چه مسیری می‌رود؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

گزارش اشتغال، کلید شکستن سقف ۱۲۰ هزار دلاری در حالی که بیت‌کوین در هفته‌های اخیر مانند رقصنده‌ای محتاط در محدوده ۱۱۰ تا ۱۱۸ هزار دلار نوسان می‌کند، همه نگاه‌ها به گزارش اشتغال سپتامبر ایالات متحده دوخته شده است. این گزارش، که فردا ساعت ۸:۳۰ صبح به وقت شرق آمریکا منتشر می‌شود، می‌تواند سرنوشت بازار رمزارزها را رقم بزند. اگر نشانه‌هایی از ضعف در بازار کار ظاهر شود، انتظارات برای کاهش مجدد نرخ بهره فدرال‌رزرو شعله‌ور می‌شود و بیت‌کوین را به سوی رمز ۱۲۰ هزار دلاری، و شاید بالاتر، سوق می‌دهد. برعکس، آمار قوی می‌تواند عدم قطعیت در طولانی‌تر کند و فشار بر دارایی‌های پرریسک را افزایش دهد.

به گزارش کوین‌دسک، گاواهای بیت‌کوین بارها از کف ۱۱۰

کاریابی از یک کارخانه به کارخانه دیگر می‌روند. این مشاغل اغلب به هیچ مهارتی به جز دانستن الفبای رومی نیاز ندارند و ممکن است، کارگران فقط چند هفته یا حتی چند روز در آن بمانند. پژوهشگران تخمین می‌زنند که تعداد آنها ۴۰ میلیون نفر، معادل یک‌سوم نیروی کار بخش تولید در چین و بیش از سه برابر نیروی کار آمریکا باشد.

یکی از دلایل پیدایش این ارتش غیررسمی آن است که بنگاه‌ها خواستار انعطاف‌پذیری هستند. کارفرمایان به آزادی در افزایش یا کاهش و مقیاس کسب‌وکارشان در واکنش به نوسانات بازار، تقاضای فصلی یا بادهای متغیر ژئوپلیتیک



ارزش می‌دهند. برنامه‌های تلفن‌های هوشمند به تطبیق سفارش مشتریان با رانندگان تحویل کمک می‌کنند. فناوری در بخش تولید بسیاری از وظایف دشواری که در گذشته به تجربه نیاز داشتند را خودکار کرده است. این امر برای مهندسان بسیار ماهر شغل آفرید. اما خالهایی را در بخش‌های مونتاژ، بسته‌بندی و بازرسی ایجاد کرده است که هر فردی می‌تواند، آنها را پر کند. اشتغال انعطاف‌پذیر از هر نوعی که باشد، مطلوب بسیاری از کارگران است. کسانی که در مسیریابی در اقتصاد مبتنی بر سکوها مهارت پیدا می‌کنند، می‌توانند با تغییر شغل درآمدی بیشتر از زمان کار برای یک کارفرما داشته باشند. نظرسنجی سال ۲۰۲۲ نشان داد که درآمد ماهانه رانندگان تحویل کالا در چین یک‌پنجم بیشتر از درآمد کارگران مهاجر است. برخی دیگر که همانند والدین‌شان نمی‌توانند یک کار طاقت‌فرسای همیشگی را تحمل کنند، حاضر نیستند یک وظیفه تکراری را هر هفته انجام دهند.

با وجود این مزایا، کارگران موقت مشکلاتی هم دارند. کارگران جوان هرگز نمی‌توانند بدون رابطه پایدار با کارفرما، مهارت‌های لازم برای رشد و شکوفایی در زندگی را کسب

کنند. آنهایی که زادگاه روستایی‌شان را ترک کرده‌اند شاید نتوانند در شهرهایی که در آن به‌طور نامنظم کار می‌کنند، ریشه بدوانند و مستقل شوند. ممکن است آنها بدون داشتن مدرکی دال بر اشتغال ثابت از دسترسی آسان به خدمات عمومی شهری تحت نظام هوکو (Hukou)ی چین محروم بمانند و اگر نتوانند در جایی ساکن شوند احتمالاً هرگز ازدواج نمی‌کنند و صاحب فرزند نخواهند شد. این امر روند پیری جمعیت را در چین تشدید می‌کند. در هر صورت، این گروه از کارگران باید علاوه بر خود، زندگی بسیاری از سالمندان را هم تأیید کنند. برخی از این مشکلات از جمله نظام هوکو مختص چین است اما تجربه این کشور از جهات دیگر ارزش مطالعه کردن دارد. بسیاری از کشورها به‌ویژه در آسیای در حال توسعه امیدوارند به سطح موفقیت چین در تولید برسند. هیچ کشوری نمی‌خواهد توان بالقوه جوانانش را هدر دهد. کمبود مشاغل خوب یکی از دلایلی است که باعث می‌شود، جوانان در چندین کشور آسیایی به خودخواهی رهبران سیاسی اعتراض کنند. تظاهرات ماه آگوست اندونزی هنگامی به خشونت کشیده شد که یک خودرو زرهی، کارگر موقتی که سوار موتورسیکلت بود را زیر گرفت. درس آخر آن است که دولت‌ها باید در قرارداد اجتماعی بازنگری کنند تا

کار موقت و تا حد امکان سودمند باشد. چین الگوریتم‌ها را تنظیم کرد تا آنها را ملایم‌تر کند. همچنین در تلاش است تا با ترغیب سکوهای تجارت الکترونیک به ارائه تأمین اجتماعی برای کارگران موقت، شکاف میان جدید و قدیم را کاهش دهد. هند کارگران سکویی را تشویق می‌کند تا مزایایی از قبیل بیمه حوادث و مراقبت‌های درمانی را مطالبه کنند. اما دولت‌ها باز هم باید بلندپروازتر باشند. آنها باید به‌جای تحمیل کار موقت به طرح‌های موجود، سیاست‌هایشان را بازطراحی کنند. چین می‌تواند، سهم مشارکت اجباری کارفرمایان را سبک‌تر کند و انگیزه آنها را برای استخدام کارگران موقت به‌جای کارگران دائمی کاهش دهد. کشورها باید پیوند محکم‌تری بین پرداختی‌های سهم بازنشستگی کارگران و دریافتی‌های آینده آنها برقرار کنند و به این ترتیب انتقال حق بازنشستگی را تسهیل کنند. بسیاری از کشورهای آسیایی قبل از ثروتمند شدن، پیر خواهند شد. کمک به رونق زندگی کارگران موقت امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد.

منبع: اکونومیست

بهره را بالا می‌برد؛ امری که رمزارزها را تقویت می‌کند. اما آمار قوی، تورم را داغ نگه می‌دارد و کاهش بهره را دور از دسترس می‌کند. راک پیش‌بینی می‌کند این عدم قطعیت، سلطه بیت‌کوین (حدود ۵۵ درصد) را حفظ و رشد اتریوم و دیفای را محدود کند. از نظر فنی الکس کوپتسکوویچ از -Fx Pro می‌گوید: «بیت‌کوین از سطوح حمایتی اوایل سپتامبر بازگشته و آلت‌کوین‌ها قوی‌تر عمل می‌کنند، نشانه‌ای از برندگان آینده». حمایت در ۱۰۹ هزار دلار مثبت است اما سقف محلی سپتامبر پایین‌تر از اوج قبلی، نوسانات را کاهش داده و به شکست محدوده ۱۰۸-۱۱۸ هزار دلاری نزدیک می‌کند. شاخص احساسات بازار از «ترس شدید» ۲۸ در جمعه به خنثی ۵۰ بازگشته و حجم موقعیت‌های باز فشرده شده است. اتریوم در نقطه عطف قرار دارد؛ تحلیلگران از کف قیمتی احتمالی سخن می‌گویند و خستگی پس از فروش‌های اخیر را برجسته می‌کنند. راه‌اندازی نخستین ETF استیکینگ اتریوم توسط REX Shares و Osprey Funds و درخواست‌های پلک‌راک و فیدلیتی در SEC توجه‌ها را جلب کرده است. در مجموع، بازار رمزارزها در آستانه تحول است. پیش‌بینی‌ها برای اکتبر، رشد ۲۲ درصدی بیت‌کوین را نوید می‌دهند اما گزارش اشتغال کلید اصلی است. اگر ضعف بازار کار تأیید شود، باد موافق برای عبور از ۱۲۰ هزار دلار می‌وزد. معامله‌گران، نفس‌ها را حبس کرده‌اند، آیا (Uptober) تکرار می‌شود؟

تله تجاوز

وزیر ورزش اعلام کرد که اتهام تجاوز تله دختر کره‌ای برای ورزشکاران ما بوده است

گروه اجتماعی: احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، در حاشیه جلسه هیات دولت با ارائه توضیحاتی درباره آخرین وضعیت پرونده دوومیدانی کاران در کره جنوبی گفت که وکلای مدافع ایرانی «خیلی خوب دفاع کردند» و شرایط پرونده به کلی تغییر کرده است. به گفته او هم‌اکنون تا حدودی محرز شده که دو نفر از بچه‌های ما نقشی در این ماجرا نداشتند و درباره دو نفر دیگر هم مشخص شده این خانم برایشان تله گذاشته بوده است. دنیامالی افزود، امیدوار است شرایطی ایجاد شود که ورزشکاران ایرانی از زندان آزاد و تبریّه شوند. او همچنین خبر داد که تنها دو جلسه دادگاه دیگر باقی مانده و نگاه قضات پس از ارائه مدارک جدید کاملاً تغییر کرده است. این اظهارات در کنار اخبار چند روز اخیر مبنی بر «رفع اتهام تجاوز گروهی» از چهار دوومیدانی‌کار ایرانی، امیدها را به آزادی نزدیک می‌کند.

ماجرای شامگاه ۳۰ مه ۲۰۲۵ در جریان مسابقات قهرمانی دوومیدانی آسیا در شهر گومی کره جنوبی شروع شد. در آن شب سه عضو کاروان ایران- شامل دوتندها مسعود کامران، حسین رسولی و مربی تیم امیر مرادی- با یک زن ۲۰ ساله در یک میخانه آشنا شدند سپس او را به هتل محل اقامت خود دعوت کردند. پلیس کره با ورود به هتل، این سه نفر را به اتهام «تجاوز جنسی گروهی» بازداشت کرد؛ اتهامی که در رسانه‌های کره‌ای نیز با تیتیر «تجاوز گروهی دوتندهای ایرانی»

محیط زیست

کوچ ناگزیر

نماینده ارومیه خبر از مهاجرت ساکنان اطراف دریاچه ارومیه به دیگر شهرها و روستاها داد



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

حاکم ممکن، نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه اعلام کرد که شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این وضعیت طی سالیان اخیر منجر به تخلیه آرام یا مهاجرت مردم از روستاهای اطراف شده است. او در عین حال هشدار داد که هنوز امکان پیشگیری از وخامت بیشتر وجود دارد.

کارشناسان محیط‌زیست هشدار داده‌اند که ادامه این روند باعث «محاصره میلیون‌ها شهروند با مشکلات معیشتی و زیستی» خواهد شد و حتی برآوردهایی، مهاجرت قریب ۱۰ میلیون نفر را پیش‌بینی کرده‌اند. در عمل، صدها روستا در اطراف دریاچه در یک دهه گذشته به تدریج خالی از سکنه شده و جمعیت آنها به شهرهای بزرگ‌تری چون ارومیه، تبریز و حتی تهران سرازیر گردیده است. کاهش عملکرد مزارع و نبود اشتغال پایدار، فقر و نابرابری را تشدید کرده و نرخ مهاجرت داخلی را بالا برده است.

دریاچه ارومیه که زمانی بزرگ‌ترین دریاچه شور خاورمیانه محسوب می‌شد اکنون به بستر نمکی خشک و شکننده‌ای تبدیل شده است. اکنون بیش از ۹۰ تا ۹۶ درصد از حجم و مساحت این دریاچه از بین رفته و آنچه باقی‌مانده فقط لکه‌های بسیار کوچک و کم‌عمق آب شور است که به‌سختی توان حفظ حیات را دارند. بخش اعظم سطح آبی پیشین به نمک‌زار تبدیل شده و کارشناسان هشدار می‌دهند که با کوچک‌ترین کاهش بارندگی یا برداشت بیشتر آب، وضعیت می‌تواند وخیم‌تر شود. در این شرایط، شوری بسیار بالایی آب باعث نابودی گونه‌های ارزشمندی مانند آرتمیا شده و لایه ضخیمی از نمک در بستر خشک شده، تشکیل گردیده که زیستگاه پرندگان مهاجر را نیز غیر قابل استفاده کرده است.

خطرات زیست محیطی

خشک شدن دریاچه ارومیه، پیامدهای فراوانی به همراه دارد. مهم‌ترین و آزاردهنده‌ترین پیامد آن توفان‌های گردوغبار نمکی است؛ ذرات نمک و ریزگردهای حاصل از بستر خشک شده دریاچه می‌توانند، کیفیت هوا را شدیداً کاهش

منتشر شد. انتشار فوری خبر در رسانه‌های داخلی و خارجی، واکنش‌های شدیدی را در پی داشت: با گسترش خبر، وزارت ورزش ایران هیأتی را به کره اعزام کرد و در تهران، برخی تجمع‌ها در برابر فدراسیون دوومیدانی خواستار استعفای احسان حدادی، رئیس این فدراسیون شدند. در همان روزها خبرگزاری‌های داخلی گزارش دادند که کاروان ایران بدون سه متهم بازداشت شده به کشور بازگشته است؛ گزارشی که خود دستکاری و حذف بخش‌هایی از آن در رسانه‌های دولتی نیز حاشیه‌های دیگری آفرید.

با آغاز دادگاه‌ها در کره جنوبی، روند ماجرا به تدریج تغییر کرد. سه جلسه نخست با حضور متهمان و وکلای مدافع برگزار شد. در تازه‌ترین جلسه، قاضی به درخواست وکلای ایرانی، شاکی کره‌ای را در دادگاه حاضر کرد. در جریان پرسش و پاسخ، تناقض‌های آشکاری در گفته‌های او آشکار شد؛ تا جایی که یک کلیپ منتشر شده از اظهارات قبلی این زن نشان داد، بخشی از شهادت او با گفته‌های قبلی‌اش در تعارض کامل است. این تناقض‌ها باعث شد، قاضی دستور دهد بازجویی‌های پیشین باطل و روند رسیدگی از نو آغاز شود. به این ترتیب، اتهام سنگین «تجاوز گروهی» که مجازات بسیار سختی در پی داشت از پرونده حذف و قرار شد، دادگاه با دو جلسه نهایی دیگر ادامه پیدا کند.

سخت‌نگوی فدراسیون دوومیدانی ایران در توضیح این روند

گفت که عنوان اتهام اولیه از پرونده برداشته شده است. او تأکید کرد که هرچند تحقیقات همچنان ادامه دارد اما اکنون شرایط بسیار امیدوارکننده‌تر از ماه‌های نخست است. منابع خبری خارجی نیز گزارش دادند که اتهام سنگین تجاوز گروهی منتفی شده و دادگاه قرار است به اتهامات سبک‌تری بپردازد. همچنین مشخص شد که برای سهولت روند قضایی، پرونده چهار ورزشکار ایرانی با هم ادغام شده است؛ نفر چهارم حتی پس از آزادی موقت دوباره بازداشت شد تا روند رسیدگی یکپارچه باشد. از دیگر نکات مهم این دادگاه، بررسی گزارش پزشکی قانونی کره بود. این گزارش نشان می‌داد در دو نفر از متهمان آثار از رابطه جنسی وجود دارد؛ اما هنوز مشخص نیست این رابطه دقیقاً در چه زمانی رخ داده و آیا مرتبط با شاکی پرونده بوده یا خیر. این مساله قرار است در جلسات نهایی بررسی شود. کارشناسان حقوقی می‌گویند در صورت اثبات تخلف، مجازات احتمالی بسیار سبک‌تر از اتهام اولیه خواهد بود و ممکن است به یک سال حبس کاهش یابد؛ مجازاتی که با توجه به مدت بازداشت‌شدگان، می‌تواند در ایران ادامه یابد یا حتی مشمول آزادی شود.

گزارش ویژه

با حضور شریعتمداری صورت گرفت:

آغاز عملیات نصب و راه‌اندازی رآکتور اوره شرکت پتروشیمی

عملیات نصب و راه‌اندازی رآکتور پیشرفته اوره در شرکت پتروشیمی هنگام با حضور مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس به طور رسمی آغاز شد. به گزارش روابط‌عمومی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، در جریان بازدید محمد شریعتمداری و هیاتی از مدیران شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، عملیات نصب این رآکتور پیشرفته که حمل آن به کشور با چالش‌های متعددی همراه بود، آغاز شد تا گام اصلی راه‌اندازی کامل طرح اوره و آمونیاک هنگام برداشته شود.

این واحد که با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته طراحی و اجرا شده، گامی مؤثر در افزایش ظرفیت تولید اوره کشور و ارتقای جایگاه ایران در بازارهای جهانی محسوب می‌شود. شریعتمداری در این بازدید با اشاره به اهمیت راهبردی توسعه صنعت پتروشیمی در اقتصاد مقاومتی، اظهار کرد: راه‌اندازی رآکتور واحد اوره نه‌تنها موجب افزایش چشمگیر تولید محصولات نیتروژنی خواهد شد بلکه به تکمیل زنجیره ارزش و رشد صادرات غیرنفتی کشور کمک می‌کند. اوره یکی از محصولات راهبردی در حوزه صادراتی است که نقش بسزایی در افزایش ارزآوری برای اقتصاد کشور دارد. وی با تأکید بر نقش نیروی انسانی در پیشرفت صنعت پتروشیمی، افزود: کارگران و کارکنان، ارزشمندترین سرمایه‌های این مجموعه و کل صنعت پتروشیمی هستند. توسعه‌ای که امروز در حال تحقق است بدون تلاش و تعهد این سرمایه‌های انسانی امکان‌پذیر نبود. شریعتمداری در ادامه با اشاره به شرایط حساس اقتصادی و منطقه‌ای کنونی گفت: امروز در شرایط حساسی قرار داریم اما خوشبختانه با هدایت‌های داهیهانه مقام معظم رهبری این دوران نیز با همدلی، تلاش و خودباوری پشت سر گذاشته خواهد شد و کشور در مسیر ثبات و توسعه پایدار قرار خواهد گرفت.

وی در پایان با تأکید بر تعهد گروه صنایع خلیج‌فارس به توسعه پایدار، خاطرنشان کرد: اجرای این پروژه نشان‌دهنده عزم جدی ما برای تقویت زیرساخت‌های صنعتی، کاهش وابستگی به خارج و تحقق اهداف بلندمدت در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان است.

با نصب و راه‌اندازی این رآکتور، ایران قادر خواهد بود تا نیازهای داخلی خود در صنعت کشاورزی را تأمین کرده و به ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی منطقه کمک کند همچنین با افزایش سهم اوره صادراتی ایران، نقشی مهم در تأمین امنیت غذایی جهان ایفا کند.

می‌تواند، معضل جدیدی چون بی‌خانمانی و ناهنجاری‌های اجتماعی به‌وجود آورد. در سطح منطقه‌ای نیز کاهش آب ارومیه، خطر مناقشات بین استانی را بالا می‌برد. به‌عنوان مثال، کشمکش بر سر تخصیص قحابه رودخانه‌ها میان آذربایجان شرقی و غربی پیش از این علنی شده و حالا در صورت خشک شدن کامل دریاچه این تنش‌ها می‌تواند به چالش‌های امنیتی جدی‌تری بدل شود. به‌طور خلاصه از دست دادن ارومیه «عوامل بالقوه بی‌ثباتی» به‌شمار می‌آید که ظرفیت بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی را در مناطق اطراف افزایش می‌دهد.

در حال حاضر تداوم خشکی دریاچه ارومیه به معیشت کشاورزان و دامداران محلی آسیب جدی زده است. در سال‌های اخیر با وجود اینکه چند هزار هکتار اراضی باغی جدید در نواحی غربی دریاچه ایجاد شده در نواحی شرقی، کاهش شدیدی در وسعت اراضی زراعی و باغی رخ داده و جمعیت روستایی و شهری ساکن پیرامون دریاچه به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. بسیاری از ساکنان این مناطق برای تأمین معیشت به سایر شهرستان‌های استان‌های آذربایجان شرقی و غربی مهاجرت کرده‌اند. نماینده ارومیه نیز تصریح کرده است که مهاجرت تدریجی روستائینسان حوضه آبریز دریاچه آغاز شده و این موضوع یک «زنگ خطر» جدی برای منطقه محسوب می‌شود. گرچه آمار دقیقی از میزان مهاجرت در دست نیست اما مشاهدات میدانی، حکایت از خالی شدن روستاها و افزایش مهاجرت به شهرهای مجاور دارد.

با وجود وخامت اوضاع، کارشناسان بر این باورند که هنوز می‌توان از وخامت بیشتر فاجعه جلوگیری کرد. مطالعات محلی و بین‌المللی بارها نشان داده‌اند که بازگشت کامل دریاچه بدون اصلاح ریشه‌ای الگوی مصرف آب ممکن نیست. به گفته نمایندگان و فعالان محیط زیست باید فوراً کشت محصولات پرآب‌بر کاهش یابد، چاه‌های غیرمجاز کنترل و قحابه واقعی دریاچه تخصیص داده شود. از سوی دیگر هماهنگی نهادی، نظارت شفاف بر طرح‌ها و مشارکت جدی جوامع محلی (همراه با فراهم کردن معیشت جایگزین برای کشاورزان) ضروری است. به تعبیر دکتر مهدی زارع (استاد زمین‌شناسی) اکنون برای مسئولان «بسیار مشکل» است به گروه‌هایی که از منابع آب تغذیه می‌کنند، بگویند دوران مصرف بی‌رویه به پایان رسیده است. او هشدار داده که هنوز چند گوشه از دریاچه قابلیت احیا دارد اما بازگشت آن به وضعیت سال‌های گذشته، امکان‌پذیر نیست.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

ادامه یادداشت روز

بازدارندگی از «شعار» تا «شاخص»

در این مقاله، بازدارندگی را نه به عنوان یک ابزار صرفاً نظامی بلکه به عنوان یک «ماتریس یکپارچه» بررسی می‌کنیم. در این ماتریس ۵ بُعد حیاتی (نظامی، سایبری / اطلاعاتی، اقتصادی / فناوریانه، خدمات حیاتی و مشروعیت/ هنجارها) در کنار ۵ روش اصلی (انکار، مجازات، درهم‌تنیدگی، هنجار و تاب‌آوری) قرار می‌گیرند. حاصل این ترکیب، تصویری چندبعدی است که نشان می‌دهد، بازدارندگی فقط هنر تهدید نیست بلکه هنر قانع کردن، مقاومت کردن و ادامه دادن زندگی در سخت‌ترین روزهاست.

برای تبدیل بحث نظری به شاخص عددی می‌شود

یک ماتریس پنج بُعد × پنج روش را ساخت.

- پنج بُعد: بعد یعنی عرصه یا حوزه‌ای که بازدارندگی در آن شکل می‌گیرد. هر بُعد یک زمینهٔ کلان است که در آن کشور می‌تواند، قدرت و اثر بازدارنده بسازد. در مدل ۵×۵ ما، پنج بُعد در نظر گرفته شده است.

۱) سخت‌افزار نظامی: توانایی‌های دفاعی و تهاجمی در میدان جنگ (موشک، ارتش، پدافند، تسلیحات)

۲) سایبر/اطلاعات: زیرساخت دیجیتال، جنگ سایبری، داده‌ها و روایت‌های اطلاعاتی

۳) اقتصاد/فناوری: منابع مالی، تجارت، فناوری و نوآوری که می‌تواند، بازدارنده یا آسیب‌پذیر باشد.

۴) خدمات حیاتی / زیرساخت: انرژی، آب، غذا، حمل‌ونقل، سلامت یعنی ستون‌هایی که زندگی روزمره بر آنها سوار است.

۵) مشروعیت/هنجار اجتماعی: اعتماد عمومی، هنجارهای اخلاقی و قوانین که به کشور سرمایهٔ معنوی و سیاسی می‌دهند.

- پنج روش: یعنی پنج مکانیسمی که در هر بُعد برای ساختن بازدارندگی استفاده می‌شود. روش‌ها توضیح می‌دهند که چگونه در آن بُعد، دشمن را از حمله منصرف می‌کنیم. پنج روش اصلی عبارت‌اند از:

۱) انکار (Denial): سخت کردن موقعیت دشمن؛ به‌طوری‌که حتی اگر حمله کند، نتیجه نمی‌گیرد. (مثل پدافند یا مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها).

۲) مجازات (Punishment): تهدید معتبر به تحمیل هزینه سنگین بر دشمن در صورت حمله. (مثل پاسخ موشکی یا تحریم متقابل).

۳) درهم‌تنیدگی (Entanglement): گره زدن منافع طرف مقابل به ما،

طوری که حمله به ما به ضرر خودش تمام شود. (مثل اقتصاد مشترک یا اتحاد منطقه‌ای).

۴) هنجار (Norms): استفاده از قواعد و ارزش‌های اخلاقی / حقوقی که حمله به ما را پرهزین‌تر می‌کند. (مثل منع حمله به بیمارستان‌ها یا احترام به اماکن مذهبی).

۵) تـسـاب‌آورـی (Resilience): توان ادامهٔ کار و بازسازی سریع بعد از ضربه. (مثل ژئوتورهای اضطراری، اعتماد عمومی، ذخایر استراتژیک).

به زبان ساده

بُعد = کجا؟

عرصه‌ای که بازدارندگی در آن مهم است

روش = چگونه؟

مکانیسمی که در آن عرصه برای منصرف کردن دشمن به کار می‌رود در ماتریس (۵ × ۵) بازدارندگی ۲۵ خانهٔ ماتریس ایجاد می‌شود که هر خانه یک «ترکیب» از بعد و روش است و هر ترکیب یک سیاست مشخص برای بازدارندگی می‌سازد که می‌توانیم برای هر یک از ۲۵ باکس یک نام علمی و تعریف دقیق داشته باشیم که فهم را آسان‌تر کند.

اگر بخواهیم آن ۲۵ باکس ماتریس بازدارندگی را از شعار به شاخص و از شاخص به «نمره» برسانیم باید یک روش امتیازدهی و وزن‌دهی طراحی کنیم. به زبان ساده یعنی چطور بفهمیم کدام خانه ضعیف، کدام خانه قوی و کدام حیاتی‌تر است.

به هر بُعد یک وزن کلان بدیم (جمع وزن‌های بُعدها باید ۱۰۰٪ شود) به عنوان مثال:

نظامی : ۲۵٪

سایبری : ۲۰٪

اقتصاد : ۲۵٪

خدمات حیاتی : ۱۵٪

مشروعیت/هنجار : ۱۵٪

به هر روش هم یک وزن بدیم (جمع وزن‌های روش‌ها باید ۱۰۰٪ شود) به عنوان مثال :

انکار : ۲۵٪

مجازات : ۲۰٪

درهم‌تنیدگی : ۱۵٪

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



ادامه دوشنبه ۸ اسفند

درگیری و تشنج در برونتوی اندونزی

در رسانه‌ها از قول خانوادۀ مهندس [عزت‌الله] سحابی، [فعال ملی – مذهبی] آمده که در زندان دچار افسردگی و عدم تعادل روحی شده و استمداد کرده‌اند. سیا و افبی‌آی آمریکا ادعا کرده‌اند که ایران در انفجار الخبَر دست داشته و مشغول تهیه سلاح هسته‌ای هستند و دولت عربستان در جواب گفته است، هیچ دولتی را تاکنون متهم نمی‌کند. در [جزیره] برونتوی اندونزی، درگیری‌ها و تشنج شدید است.

سه‌شنبه ۹ اسفند

افتتاح کنگره ۱۶ هزار شهید خوزستان

ساعت ۶/۵ صبح برای افتتاح کنگره ۱۶ هزار شهید خوزستان به سوی اهواز پرواز کردیم. آقایان [حسین] شمسایی، [غلامرضا] فروزش و ... و غفت همراه بودند. در مسیر، آقای شمسایی از مسأله بازداشت سردار [عبدالله] عقیابی با خواست دکتر [حسن] فیروزآبادی، رییس ستادکل [نیروهای مسلح] به خاطر گزارش اشکالات ستادکل گفت؛ شبیه آنچه دیروز خود آقای عقیابی به من گفته بود.

در فرودگاه اهواز، استقبال مدیران استان و جمعی از علما را داشتیم. در مصاحبه کوتاهی، هدف سفر را شرکت در مراسم شهدا و سخنرانی در دانشگاه، افتتاح دومین کارخانه نیشکر ذکر کردم. یکسره به دانشگاه دکتر چمران، محل برگزاری کنگره رفتیم. در سالن بزرگ دانشگاه با حضور حدود چهار هزار نفر با ابتکارات خوبی برگزار کردند. متناسب با وضع جنگ، فضای نیمه‌تاریک و سنگریندی با گونی‌های شنن و نمادهایی از جبهه‌ها و آویزان کردن تابوت شهدا از سقف و نمایش صحنه‌هایی از جنگ از قبیل شروع عملیات و گرفتن اسیر و تخلیه اسرا و مجروحان و سرودهای جنگی و دکلمه‌های حماسی در سراسر برنامه، بعد از خیرمقدم آقای [سیدمحمدعلی موسوی] جزایری، امام‌جمعه اهواز و [سردار رحیم نوعی]اقدام، فرمانده لشکر ولی‌عصر(عج) و سردار [رحیم] فصوی، فرمانده سپاه و گزارش کار کنگره، من هم سخنرانی مفصلی دربارهٔ خوزستان و شهدا و جنگ ایراد کردم. از نمایشگاه [یادواره شهدا] بازدید کردم.

ظهر به استانداری رفتیم؛ با ناهار و استراحت و مطالعه گزارش‌ها. عصر به دانشگاه علوم پزشکی رفتیم. بعد از خیرمقدم [دکتر حیات ممبینی]، رییس دانشگاه و نماینده رهبری و نمایش آقای [محمد] رضازاده [جوبیاری] از روحانیون کم‌پا آوردن دو فرزند خردسال خود به روی سن که [علی]، بزرگ ۷ ساله، حافظ کل قرآن و بخش عمده‌ای از نهج‌البلاغه و [حسن] کوچک ۵ ساله حافظ دو جزء قرآن و آزمایش آنها با سوالات متنوع و جواب خوب آنها به هر کدام، یک سکه [بهار آزادی] هدیه دادم. سپس دربارهٔ اهمیت علم و دانش و تکنولوژی و رسالت دانشگاه‌ها در این جهت و اختلاف انداختن دشمنان بین ملت ایران با تقسیم مردم به اصلاح‌طلب و محافظه‌کار و لزوم همیشگی بودن اصلاح و در همه امور و نه در یک بخش، سخنرانی مفصلی کردم. آمفی‌تئاتر مملو از دانشجویان و اساتید بود و جمعی در بیرون مانده بودند.

شب به حوزه علمیه [اهواز] رفتم. از دارالتحقیق و کتابخانه بازدید کردم و توضیحات شنیدیم. نظم خوبی به حوزه داده‌اند. در جمع روحانیون، بعد از خیرمقدم آقای جزایری، [نماینده ولی‌فقیه در استان خوزستان و امام‌جمعه اهواز] دربارهٔ وظایف روحانیت و نقش تاریخی و امور آنها و لزوم هماهنگی با شرایط روز و اصلاح روش تحصیلی حوزه‌ها، سخنرانی کردم. دیروقت در استانداری خوابیدیم.

مفقودی

برگ سندکمپلی خودرو سواری استیشن فیدلیتی پرایم مدل ۱۴۰۳ رنگ سفیدمشکی به شماره شاسی NAGC۱AB۴۹R۱۰۳۰۹۲۲ و شماره موتور SQRE۴T۱۵CBJR۶۰۱۸۳ و شماره انتظامی ۱۶|ایران ۱۵۷ د ۸۸ به نام داودخدادادی مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است.

توانایی یک کشور برای قانع کردن دشمن به خودداری از خصومت از طریق سبدی هماهنگ از پنج بعد که بر پنج روش عملیاتی سوار است				
بعد	روش	تعریف	اسم علمی	شاخص نمونه
۱	نظامی	انکار	سیر لایه‌ای (Layered Shield)	پوشش پدافندی کشور
۲	نظامی	مجازات	چکش پاسخ Hammer of Retaliation	توان موشکی / پاسخ
۳	نظامی در هم تنیدگی	نظامی در هم تنیدگی	زنجیره هم‌بی‌مان (Alliance Chain)	اتحاد منطقه‌ای
۴	نظامی	هنجار	اخلاق رزمی (Combat Ethics)	پابندی به قوانین جنگی
۵	نظامی	تاب‌آوری	ارتش جان سخت (Resilient Force)	فرماندهی و کنترل
۶	سایبری	انکار	دیوار دیجیتال (Digital Wall)	دفاع در عمق شبکه‌ها
۷	سایبری	مجازات	شمشیر سایبری (Cyber Sword)	توان حمله متقابل سایبری
۸	سایبری	در هم تنیدگی	گره داده‌ها (Data Entanglement)	وابستگی متقابل دیجیتال
۹	سایبری	هنجار	قواعد سایبر (Cyber Norms)	هنجارهای بین‌المللی سایبری
۱۰	سایبری	تاب‌آوری	اینترنت جان سخت (Resilient Net)	زمان بازیابی خدمات اینترنت
۱۱	اقتصاد	انکار	خودکفایی هوشمند (Smart Self-Sufficiency)	توع منابع حیاتی
۱۲	اقتصاد	مجازات	تحریم معکوس (Reverse Sanction)	ایزار فشار متقابل
۱۳	اقتصاد	در هم تنیدگی	کریدور طلایی (Golden Corridor)	کریدورهای ترانزیتی
۱۴	اقتصاد	هنجار	اعتماد مالی (Financial Trust)	شفافیت مالی
۱۵	اقتصاد	تاب‌آوری	ذخایر بقا (Survival Reserves)	ذخایر استراتژیک
۱۶	خدمات حیاتی	انکار	دیوار انرژی (Energy Wall)	حفاظت از نیروگاه‌ها / سدها
۱۷	خدمات حیاتی	مجازات	اهرم زیرساختی (Infrastructure Leverage)	پاسخ به حمله زیرساختی
۱۸	خدمات حیاتی	در هم تنیدگی	شبکه هم‌سرنوشت (Shared Fate Network)	اتصال شبکه‌های انرژی
۱۹	خدمات حیاتی	هنجار	قواعد بشر دوستانه (Humanitarian Norms)	حفاظت از مراکز درمانی
۲۰	خدمات حیاتی	تاب‌آوری	تداوم خدمات (Continuity of Services)	پشتیبان اضطراری
۲۱	مشروعیت	انکار	سیر اعتماد (Trust Shield)	اعتماد عمومی به اطلاع‌رسانی
۲۲	مشروعیت	مجازات	عدالت تنبیهی (Punitive Justice)	برخورد با متخلفان
۲۳	مشروعیت	در هم تنیدگی	دیپلماسی نرم (Soft Diplomacy)	دیپلماسی فرهنگی
۲۴	مشروعیت	هنجار	هنجار فرهنگی (Cultural Norms)	احترام به ادیان
۲۵	مشروعیت	تاب‌آوری	سرمایه همبستگی (Solidarity Capital)	همبستگی اجتماعی